



فهرست مطالب

۲ خجسته باد اول ماه مه
۳ آمریکا از ایران چه می‌خواهد؟ اهداف تشدید تحریم‌های جدید اقتصادی کدام‌اند؟
۵ هدف امپریالیست‌ها از تروریستی خواندن سپاه پاسداران چیست؟
۷ داستان تلخ سیل در ایران و حماسه زنان
۹ در جبهه نبرد طبقاتی
۱۴ اتحاد و تشکل، رمز پیروزی کارگران است
۱۵ لیست کمک‌های مالی به سیل زده‌گان
۱۶ شهرها و میراث فرهنگی نیز طبقاتی می‌سوزند و نابود می‌شوند
۱۸ به مناسبت سالروز تولد نابغه سینما
۱۹ پیرامون جنبش انقلابی و انقلاب در سودان
۲۱ سکوت غرب در مورد علل هرج و مرج در لیبی
۲۲ از تاریخ پیاموزیم!
۲۳ جولیان آسانژ، افشاگر فساد و مداخلات تبهکارانه و تروریست دولتی آمریکا بازداشت شد
۲۴ چرا اینهمه سکوت؟
۲۵ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
۲۶ پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

جنگ و زورگویی و مداخلات وحشیانه امپریالیستی، فاشیسم و نژادپرستی؛ جهان نان، صلح، آزادی و همبستگی.

رفقای کارگر!

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که باز هم شاهد پیشروی دهشتناک در فقر و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی هستیم و این روند اسفبار با توجه به سیاست‌های تبه‌کارانه و نئولیبرالی حسن روحانی و شرکاء ادامه خواهد داشت و چشم‌انداز روشنی برای بهبود شرایط زندگی فرودستان جامعه متصور نیست. گورخوابی، کلیه‌فروشی، تن‌فروشی، افزایش نرخ بیکاری، تورم و گرانی کمرشکن، سقوط ارز ملی، فقر و بی‌نواهی همچنان رو به فزونی است و ناامنی معیشتی جامعه را به پرتگاه نیستی سوق داده است. سیاست‌های نئولیبرالی همراه با سرکوب اعتراضات کارگری و بازداشت‌های خودسرانه و وحشیانه فعالین کارگری، معلمان و دانشجویان و زنان، بویژه رهبران کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه همه در خدمت کلان سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی است و نظام سرمایه‌داری مافیایی اسلامی، که خود را در محاصره عموم مردم زحمتکش ایران می‌بیند، چاره‌ای جز توسل به تشدید سرکوب و ارباب‌پیش روی خود نداشته و ندارد. آقازاده‌ها در ایران مشغول غارت‌اند و در فساد، اختلاس و دزدی‌های کلان‌فعالانه شرکت دارند. آنها با مردم ایران مانند قوای اشغالگر رفتار می‌کنند.

رفقای کارگر!

امسال در شرایطی روز جهانی کارگر فرا می‌رسد که شما کارگران و زحمتکشان زجر کشیده ایران یا در غم از دست‌رفته‌گان فاجعه سیل سوگوارید یا در اثر از سرگیری تحریم‌های غیرقانونی آمریکا و تشدید فشارهای جنایت‌کارانه اقتصادی، اختلاس، دزدی، فساد و ... در شرایط غیر قابل‌تحملی به سر می‌برید. فشارهای غیرقانونی اقتصادی بر ایران به وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی اکثریت تهیدستان جامعه انجامیده است و این یک اقدام هدفمند، کشتاری جمعی و ضدبشری محسوب می‌گردد. مسئولیت مستقیم فجایعی که در اثر تشدید تحریم‌های اقتصادی و فضای نظامی در ایران بروز خواهد کرد، به گردن امپریالیست‌ها به ویژه امپریالیسم جنایتکار آمریکا است. چنین سیاست زورگویانه‌ای از سوی امپریالیسم آمریکا به تقویت نیروهای سرکوب‌گر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می‌انجامد و از همین روی باید در مقابل فشارهای امپریالیستی و ماجراجویانه دولت ایالات



خجسته باد اول ماه مه

بیانیه حزب کار ایران (توفان)

به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه

اول ماه مه، روز جهانی کارگران، بار دیگر فرا می‌رسد. این روز، نمایش همبستگی جهانی پرولتاریا و همه خلق‌های گیتی با یکدیگر است. «پرولتاریای جهان متحد شوید»، شعار است که مارکسیسم برای رهائی بشریت ارائه داد، شعار مارکسیسم، که با تکامل لنینیسم در انطباق با دوران امپریالیسم و عهد آزادی خلق‌های دربند به صورت زیرین درآمد: «پرولتاریا و خلق‌های ستمدیده سراسر جهان متحد شوید». بدین رو اول ماه مه، روز اعتراض صدها میلیون زحمتکش از گرسنگی و بی‌نواهی و ستم‌دیدگی است. در این پیکار، دو جهان متضاد در برابر هم ایستاده‌اند: جهان سرمایه و جهان کار. جهان استثمار و بردگی و استعمار، جهان برادری و برابری و تساوی حقوق ملل؛ جهان



آمریکا از ایران چه می خواهد؟ اهداف تشدید تحریم‌های جدید اقتصادی کدام‌اند؟

برنامه امپریالیسم آمریکا برای فشار بر ایران به مرحله‌ای رسیده است که مدت‌ها از آن به عنوان تحریم‌های فلج کننده یاد می‌شد، یعنی تحریم کامل معاملات نفتی تهران همراه با محدودیت‌های بانکی و پولی متعدد برای کور کردن عمده‌ترین منافذ درآمد ارزی جمهوری اسلامی. تازه‌ترین اقدام، لغو معافیت‌هایی است، که فقط چند کشور را از پیامدهای تحریم آمریکا علیه ایران استثنا می‌کرد، کشورهایی که برای قطع وابستگی نفتی خود به ایران، مهلت خواسته بودند. حالا صداهایی در ایران بلند شده‌اند، مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی هم باید کاری بکند، از بستن تنگه هرمز گرفته تا دنبال کردن دیپلماسی فعال‌تر در عرصه بین‌المللی.

پرسش این است آمریکا با تشدید تحریم‌های غیرقانونی کنگره آمریکا علیه ایران و تهدیدات نظامی در قالب «تغییر رفتار رژیم» و تشکیل کنفرانس‌های رنگارنگ، نظیر کنفرانس ورشو و حمایت از اپوزیسیون ارتجاعی برون مرزی از رژیم ایران چه می‌خواهد؟ آیا تحریم‌ها و فشار اقتصادی بر مردم ایران موجب خیزش توده‌ها و سرنگونی رژیم می‌شود؟ بطور خلاصه باید گفت:

یکم اینکه امپریالیسم آمریکا سال‌هاست سیاست خود را در مورد ایران تعیین کرده است. آمریکا از ایران یک کشور نیمه

متحد آمریکا ایستاد و پرچم مستقل پرولتاریا را علیه هرگونه مداخله خارجی و مزدوران بیگانه برافراشت.

رفقای کارگر!

حزب کار ایران (توفان) دستگیری‌های خودسرانه رهبران اتحادیه‌های کارگری، معلمان معترض، فعالین مدنی را به شدت محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه فعالین کارگری و اجتماعی از زندان است.

حزب کار ایران (توفان) از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران، که هرگز از پای نشسته‌اند و علیه خصوصی‌سازی، اخراج دسته جمعی و برای دریافت حقوق معوقه و اضافه دستمزد برای تشکیل سندیکای مستقل می‌رزمند، قاطعانه دفاع می‌نماید و به همه کارگران قهرمان ایران درود می‌فرستد.

رفقای کارگر!

چاره شما کارگران و همه زحمتکشان ایران وحدت و تشکیلات است. حضور نیرومند تشکیلات سیاسی و در شکل تکامل یافته و علمی آن، تشکیلات واحد حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر، همه چیزیم و بدون آن هیچ چیز. تنها با چنین سلاحی است که می‌توان هدفمند علیه رژیم سرمایه‌داری و ضد کارگر و تبهکار جمهوری اسلامی و بر علیه امپریالیسم و مزدوران ریز و درشت‌اش رزمید، قدرت سیاسی را به کف گرفت و آینده تابناک روشنی را با دستان پرتوان خود رقم زد.

برای رهائی از جنگ‌های خونین و غارت‌گرانه و نابودی سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی، برای تحقق حقوق بشر واقعی و رهایی از استثمار، فقر، بیکاری و فلاکت اقتصادی، راهی به جز انقلاب سوسیالیستی به رهبری حزب واحد طبقه کارگر موجود نیست و جز این نیز نمی‌باشد.

درود به طبقه کارگر قهرمان ایران!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست کارگران و زحمتکشان ایران!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

• اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

عراق، کنار آمدن با طالبان علیه ایران، دامن زدن به خواست‌های جدائی طلبانه در ایران و تقویت تروریست‌های ایران در خارج از ایران دامن زدن به جنگ شیعه و سنی، تحریم اقتصادی، مالی و گرسنگی دادن به مردم ایران، پروار کردن اپوزیسیون خودفروخته ایران در خارج از کشور و دنباله‌های آنها در درون ایران برای روزمبادا... همه حاکی از سیاستی است که آمریکا برای ایران در نظر دارد.

سوم اینکه رژیم جمهوری اسلامی، که در محاصره کامل قرار گرفته است، دو راه در پیش دارد؛ یا با خفت تسلیم امپریالیسم آمریکا شود و مورد حمله نظامی و سرکوب‌گر آنها قرار گیرد و تازه تضمین ندارد که آمریکائی‌ها همین قشر مافیائی را بر سر کار نگاه‌دارند و یا اینکه به مردم ایران برای مقاومت در مقابل استعمار خون‌خوار تکیه کند، که آنوقت باید به یک حکومت دموکراتیک تن در دهد و مفسدان را محاکمه کرده به سزای اعمال‌شان برساند. با دست روحانی‌ها و جهانگیر اسحاقی‌ها و یا جنتی‌ها و لاریجانی‌ها و... نمی‌شود رژیم را «نجات» داد، فقط می‌شود ایران را بر باد داد و به هرج و مرج کشانید. آمریکا با «نجات» این رژیم هم موافق نیست. رژیم جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده است و به چشم خود می‌بیند که ارتجاع منطقه و متحدین آمریکا دست‌بردار نخواهند بود و تروریسم و بی‌ثباتی را از طریق پاکستان به داخل خاک ایران خواهند کشید. این جمهوری اسلامی است که باید در شرق و غرب خود نیز میان طالبان و القاعده ثبات خود را حفظ کند. و این تنها با تکیه بر مردم و به رسمیت شناختن آزادی‌های دموکراتیک و مجازات جنایت‌کاران، مفسدان و رانت‌خواران مقدور است، امری که خود این رژیم قادر به حل آن نیست و باید به دست مردم ایران حل گردد. یا پذیرش تمام خواسته‌های امپریالیسم آمریکا، یعنی تسلیم کامل یا ادامه فشار سیاسی و اقتصادی و محاصره نظامی! رژیمی که به مردم‌اش پشت کرده است، سرانجام راهی جز نوکری امپریالیسم پیش روی ندارد. این تازه آغاز سحر است.

در پایان باید به این پرسش، که تحریم‌های اقتصادی سرانجام موجب برافتادن رژیم خواهد شد، پاسخ منفی داد، مگر اینکه در ادامه جنگ اقتصادی به جنگ مستقیم نظامی مبادرت ورزند، که این هم در شرایط کنونی با توجه به اوضاع منطقه و جهان امکان پذیر نیست. فشار تحریم‌های خارجی و تهدیدات نظامی اما دست رژیم را در سرکوب اعتراضات داخلی بیشتر بازمی‌کند و به زیان جنبش آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه مردم ایران است. •

مستعمره می‌خواهد، مانند زمان محمدرضا شاه؛ کشوری که ژاندارم منطقه شود و همدست امپریالیست‌ها در غارت منابع انرژی منطقه و تضمین استخراج و انتقال آنها به بازارهای غرب عمل نماید؛ ایرانی می‌خواهد مخالف چین و روسیه و در زمان مناسب مخالف هند و ژاپن و شاید اروپا، تا آمریکا به‌تواند دست بر گلوگاه نفت جهان داشته باشد و پیچ آنرا شل و سفت کند و ایران را در گزینش سیاست راهبردی خویش در اقیانوس آرام در دهه آینده در کنار خود داشته باشد و نه در کنار چین. آنها مشکل‌شان برخلاف ادعاهای ایرانیان فریب‌خورده و یا خودفروخته، غنی‌سازی اورانیوم و مسئله هسته‌ای نیست و نبوده است. در زمان محمد خاتمی دو سال غنی‌سازی ایران با خواست آمریکا به تأخیر افتاد و حتی به خواست آمریکا برای امضاء پروتکل الحاقی، که یک پیمان استعماری است، تن داد. در ادامه این سیاست، ایران نیز به خواست آمریکا مبنی بر عودت تفاله‌های اتمی نیروگاه بوشهر به روسیه تن داد. ایران حاضر شد در صورت فروش اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی برای مصارف تحقیقاتی و پزشکی دانشگاه تهران از تولید آن خودداری کند و بهای خرید آنرا به روسیه، چین، آمریکا، آرژانتین و... به‌پردازد و از تولید آن صرف‌نظر کند. رژیم جمهوری اسلامی، در دوره هاشمی رفسنجانی، با سیاست تعدیل اقتصادی و بازگذاشتن دست بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ایران و اجرای خواست‌های سازمان تجارت جهانی به خصوصی‌سازی مالکیت‌های عمومی مردم ایران دست زد و نفت ایران را با پوشش شرکت‌های خصوصی پاسدارن مافیائی خصوصی نمود و... اما به‌رغم همه اینها آمریکا از این «فرصت‌های مناسب» برای عادی کردن روابط با ایران استفاده نه‌کرد و به سیاست تحریم و فشار بر ایران ادامه داده است. عقب نشینی رژیم در قالب نرمش قهرمانانه و سیاست سازش با آمریکا و سرانجام خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها در دوره حسن روحانی، نشان داده است که آمریکا به دنبال تبعیت مطلق و در سودای سلطه بلامنازع خود بر ایران است.

دوم اینکه همان‌طور که اشاره رفت امپریالیسم آمریکا به تسلط بر منطقه نظر دوخته است. آنها ایرانی می‌خواهند که نوکر آمریکا، متحد اسرائیل، دشمن فلسطین، لبنان، سوریه، کره شمالی، کوبا، ونزوئلا، بولیوی، چین، روسیه و... باشد. آنها تنها به یک تغییر راهبردی تن خواهند داد و آنهم با دست عوامل مورد اعتماد خود و نه با هر جناح غیر قابل محاسبه در حاکمیت ایران. اشغال لیبی، افغانستان، عراق، تجاوز به سوریه و لبنان، حمله نظامی عربستان به یمن، تقویت تروریسم در



هدف امپریالیست‌ها از تروریستی خواندن سپاه پاسداران چیست؟

هشیار باشیم و آگاهانه علیه دشمنان مردم به‌رمیم

مقاله‌ای که در زیر می‌خوانید، خلاصه مقاله مفصلی است که ۹ سال قبل در «توفان» شماره ۱۱۸ دی ماه ۱۳۸۸ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد و اینکه به مناسبت سیاست ماجراجویانه دولت آمریکا و در لیست تروریستی قرار دادن سپاه پاسداران، که بوی تحریک و مداخله نظامی می‌دهد، انتشار می‌دهیم.

امپریالیسم هلند در کنار امپریالیسم آمریکا یکی از امپریالیست‌هایی است که توسط وزارت امور خارجه‌اش ۱۵ میلیون دلار به اپوزیسیون خودفروخته ایران و برای برپا کردن «انقلاب محملی» در ایران هزینه می‌کند. این دولت در تمام جنایت آمریکائی‌ها و اقدامات تروریستی آنها در عراق و اسرائیل شرکت دارد، چنین تروریست‌های آلوده‌ای مشروعیت ندارند سائیرین را تروریست خطاب کنند. سپاه پاسداران ارگان رسمی یک کشور رسمی و مستقل است و از هویت قانونی در ایران برخوردار است. معرفی کردن ارگان رسمی یک کشور مستقل و ثبت آن به عنوان تروریست به معنی تدارک برای بهانه‌گیری‌های جنگی و اقدامات تروریستی بعدی است. آنها می‌خواهند سیاست تجاوز به ایران را از هم اکنون تحت عنوان

مبارزه با تروریسم استتار نمایند. حزب ما سیاست مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا را به شدت محکوم می‌کند و از همه نیروهای ضدامپریالیست و ضد رژیم می‌خواهد که در مقابل اقدام زورگویانه آمریکا بایستند و آن را قویاً محکوم کنند. آنها که به دلیل نفرت از جمهوری اسلامی به سیاست‌های ماجراجویانه آمریکا لبیک می‌گویند، به همدست این ابرقدرت بر علیه منافع ملی مردم ایران بدل می‌شوند و به ورطه خیانت و وطن‌فروشی درمی‌غلطند:

«بزرگترین تروریست قرن بیست‌ویکم، امپریالیست‌ها و در رأس‌شان امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل هستند. این جرج بوش بود که با دروغ و دُغَل با جعل سند با بی‌شرمی بی‌نظیر دولت قانونی عراق را به بهانه تروریست و صاحب بمب اتم مورد اتهام قرار داد و صدها هزار نفر را در عراق به قتل رسانید و هنوز هم می‌رساند. این دولت جرج بوش بود که به افغانستان تجاوز کرد، از طریق ناتو به یوگسلاوی تجاوز کرد و بر همه جنایت‌های صهیونیست‌ها صحنه گذارد. این دولت جرج بوش بود که دادگاه کیفری جهانی را فاقد ارزش دانست و تهدید کرد که اگر یک نظامی آمریکائی به اتهام جنایت دستگیر شده و در مقابل دادگاه لاهه قرار داده شود و محکوم گردد، ارتش آمریکا به هلند حمله خواهد کرد و نظامی آمریکائی را نجات خواهد داد. این نیروی دریائی تروریست آمریکا بود که هواپیمای مسافربری ایران را با موشک زد و بیش از ۳۰۰ نفر از هموطنان ما را به قتل رسانید و به زور قدرت تبلیغاتی همه چیز را لاپوشانی کرد. این تروریست‌های

هلند نقش توله‌سگ صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها را بازی می‌کند. تمام بازار الماس جهان در دست تجار صهیونیست یهودی تبار هلندی در آمستردام است. آنها می‌خواهند افکار عمومی را از جنایات صهیونیست‌ها در نوار غزه منحرف کنند. دولت تروریستی اسرائیل در فردای محکومیت‌اش با آموزش از جرج بوش یک سند جعلی علیه ایران ساخت و یک کشتی حامل اسلحه برای حزب‌الله لبنان را در آب‌های مدیترانه توقیف کرد و عربده کشید که این سلاح‌ها برای کشتار مردم اسرائیل، یعنی جنایت علیه بشریت است. اگر کسی به خواهد اسرائیل را در شورای امنیت محکوم کند، باید ایران را نیز محکوم کند. سند جعلی و صحنه‌سازی به قدری خنده‌دار و بی‌شرمانه بود که تنها حزب‌الله برای اینکه این دسیسه بی‌پاسخ نماند، این عمل مسخره را به عنوان یک راهزنی دریائی محکوم کرد و ادعاهای دروغین اسرائیل را تکذیب نمود. دول امپریالیستی از ترس بی‌آبرویی حتی حاضر نه‌شدند، پشت‌اش را به‌گیرند و در این بی‌آبرویی شریک شوند. مسئله به این «بزرگی» به یکباره به فراموشی سپرده شد. مطبوعات «دموکرات» جهان به یکباره خفقان گرفته‌اند و مسئله به این مهمی را دنبال نمی‌کنند، به پُرس‌وجو بر نمی‌خیزند، به اسرائیل سفر نمی‌کنند، تا با نتانیاهو در این مورد مصاحبه کنند، با دبیرکل سازمان ملل متحد و یا رئیس شورای اروپا و... وارد بحث و جدل نمی‌شوند تا به‌گنه مسئله بی‌بَرند و افکار عمومی را روشن کنند. ولی دروغ به این بزرگی را عنوان‌های بزرگ نشریات خویش کردند.

هیچ‌کدام از ممالک جهان حاضر نه شدند در این بازی مسخره و جعل سند به جز «کیهان لندن»ی، که در آرزوی تجاوز آمریکا به ایران می‌سوزد، شرکت کنند.»

سپاه پاسداران و رژیم جمهوری اسلامی دشمنان مردم ایران هستند و این وظیفه مردم میهن ماست همانگونه که تاکنون نشان داده‌اند علیه این دستگاه‌های سرکوب‌به‌رزمند و آنها را سرنگون کنند. ملتی لیاقت آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را دارد که در عرصه پیکارهای بی‌امان حق خویش را با فداکاری به‌دست آورده باشد تا قدر حفظ آنرا در آینده نیز به‌داند. مردم ایران که انقلاب مشروطیت، مبارزات ضد دیکتاتوری زمان رضا شاه، مبارزات دموکراتیک مردم آذربایجان و کردستان، قیام افسران خراسان، مبارزات پرشکوه ضد استعماری دوران ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق، قیام‌های تاریخی ۳۰ تیر، مبارزات ۱۶ آذر، ۱۵ خرداد، انقلاب شکوهمند بهمن، ۱۸ تیر، ۲۲ خرداد و... را پشتوانه خویش دارند و بر این سنت‌های انقلابی تکیه می‌کنند.

آمریکائی و اروپائی بودند که به صدام حسین گازه‌های سمی تحویل می‌دانند که بر سر ایرانیان فروریزد و آنها را که از تمامیت ارضی کشورشان، از استقلال‌شان دفاع می‌کردند، به قتل به‌رسانند. آنها حتی ممانعت کردند که این حقایق در دادگاه ساختگی صدام حسین طرح شود و دست امپریالیست‌ها روگرد. آنها در مقابل موشک‌باران شهرهای بزرگ ایران، که جنایت جنگی محسوب می‌شود، زیرا تنها کشتار مردم غیر نظامی را هدف خود قرار داده بود، سکوت کردند و در اخبار رسانه‌های گروهی خویش برای فریب مردم مدعی بودند که: «هر دو طرف از سلاح گاز و موشک» برای تخریب و آدم‌کشی استفاده می‌کنند. این چهره جنایت‌کاران «دموکرات» و «لیبرال» و «هوداداران حقوق بشر» نباید از خاطره ما برود. این تروریست‌های سیاسی نان را به نرخ روز می‌خورند و فاقد اصولیت هستند. اصولیت، انسانیت و شرافت آنها فقط کسب سود حداکثر به هر قیمت است. این تروریست‌های اسرائیلی هستند که دیواری به طول چند صد کیلومتر به دور فلسطینی‌ها کشیده‌اند و آنها را زندانی کرده و سرزمین‌هایشان را غصب می‌کنند و چند ده برابر دیوار برلن است. این صهیونیست‌های تروریست اسرائیل هستند که به نوار غزه حمله کرده‌اند و تمام زیربنای هستی مردم را نابود کرده‌اند. هیچکس از این تروریست‌ها، به این همه بی‌وجدانی و جنایات ضدبشری ایراد نمی‌گیرد. هیچکس نمی‌خواهد که این تروریست‌ها در پارلمان اروپا محکوم شوند. سرپای این سیاست‌ها، سیاست ریاکارانه و دودوزه‌بازی است.

خانم «آمیرا هاس»، خبرنگار مترقی یهودی مقیم فلسطین پس از تماس با فلسطینی‌ها در نوار غزه نوشت: «هر روز جان بدربرندگان در نوار غزه حکایت می‌کنند که آنها حسرت خویشاوندان‌شانی را می‌خورند که در زمان تجاوز نظامی اسرائیل جان دادند». چقدر این اعتراف دل‌خراش است. کار جنایت تروریست‌های اسرائیل به جایی رسیده است که مردم نوار غزه مرگ را به ادامه حیات ترجیح می‌دهند. این ارتش جانی و رهبران سیاسی آنها در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بر مبنای گزارش یک قاضی مشهور یهودی به جنایت علیه بشریت محکوم شدند و در مجمع عمومی سازمان ملل علی‌رغم رای مخالف نماینده هلند و همدستان‌شان قطعنامه‌ای برای محکوم کردن جنایت اسرائیلی‌ها به نام جنایت‌کاران علیه بشریت به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع شد. خوانندگان توفان مطمئن باشند که این تروریست‌ها و جنایت‌کاران علیه بشریت هرگز مجازات نه‌خواهند شد و نام‌شان در فهرست تروریست‌های تاریخ قرار نه‌خواهد گرفت.



داستان تلخ سیل در ایران و حماسه زنان

هرگز ز دل
امید گل آوردنم نرفت
این شاخ خشک،
زنده به بوی بهار توست (سایه)

ماجرای تلخ بارش بی‌سابقه باران در روزهای پایانی اسفند ۹۷، وقوع سیل و دیدن تصاویر دل‌خراش هفته‌های گذشته بسیاری از هم‌میهن‌انمان را در شوک فرو برد. سیل ویران‌گر دار و ندار مردم را سُست و بُرد! آنچه باقی ماند، بُهت و سوگ از دست‌دادن‌ها بود و مردمی محصور میان آب‌ها در انتظارِ فردایی نامعلوم!

قرارداشتن ایران از نظر جغرافیایی بر مدار حوادث طبیعی امری بود که همهٔ مسئولان می‌بایستی بر آن واقف می‌بودند. اما تکرار هم‌زمان سیل و ریزش‌های ممتد باران، آقایان مسئول راه، که تمامی سال‌های گذشته تا این لحظه در خواب بودند، «غافلگیر» کرد و ثابت نمود که حاکمیت تا چه اندازه در رویارویی با رخدادهای طبیعی ناتوان است. بی‌کفایتی و ناکارآمدی نهادهای رسمی در مدیریت بحران هر روز بر میزان عدم اعتماد مردم نسبت به دولت و حاکمیت می‌افزاید. مردم خیلی زود دریافتند حاکمیتی که برای «سرکوب» همه‌گونه ابزاری را مُهیا کرده، برای «نجات» بی‌تدبیر و درمانده است. آنها دریافتند که کمک‌های امدادی از خارج - عمدتاً به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه کشور ایران و عوامل دیگر - حداقل به طور عاجل انتظار نمی‌رود!

زنانی که خانه و کاشانهٔ خود را از دست داده بودند و با رنج

با تکیه به نیروی خویش بنیاد این نظام ستم‌گر و ارتجاعی را جارو خواهند کرد و به دخالت موزیانه امپریالیست‌ها نیازی ندارند. امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها که مجدداً بر طبل جنگ می‌کوبند، دشمنان مردم ایران هستند و در تلاش‌اند تا فضای تجاوز را در خارج برای افکار عمومی کشورشان بسازند. آنها می‌دانند که اپوزیسیون انقلابی ایران ضد ابزارهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و ضد این رژیم در تمامیت خود است و به این جهت هرگز پرچم حمایت از پاسداران را علم نمی‌کند، ولی اپوزیسیون انقلابی ایران دخالت اجانب خون آشام را در سرنوشت ملت ایران محکوم می‌کند. مردم ایران به دوستی‌های خاله‌خرسه نیاز ندارند و این تاکتیک کثیف امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را می‌شناسند.

استقلال ایران توسط امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها تهدید می‌شود. آنها هیچوقت زمانی که منافع‌شان ایجاب می‌کرده است، هوادار تحقق حقوق بشر نبوده‌اند و در آینده نیز نه خواهند بود. امپریالیست‌ها دانشگاه‌های شکنجه دارند و در جهان به آدم‌ربائی و شکنجه آنها مشغول‌اند. آنها حتی شکنجه را قانونی کرده‌اند و اُسرای جنگی را به عنوان آدم‌های بی‌حقوق در قفس نگاه‌میدارند. این عده نمی‌توانند به ما ایرانی‌ها درس ادب و اخلاق و رعایت حقوق بشر دهند. در بهترین حالت تنها می‌توانند درس ریاکاری و سنگدلی و وقاحت را عرضه کنند، که بهترین شاگردان آنها امثال احمدی نژاداند.

اپوزیسیون انقلابی ایران باید دخالت اجانب را در امور داخلی ایران محکوم کند. سرنگونی رژیم استبدادی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و وظیفه مردم ایران است و نه قوای خارجی. دلسوزی امپریالیست‌ها نیز تنها اشک تمساح است و مردم میهن ما گول آنها را نمی‌خورند. نباید فریب امپریالیست‌ها را خورد و با آنها هم دهان شد.

**سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به
دست مردم ایران**

مسئولان کشور نمی‌یابید.

با ارزش‌ترین دست‌آورد همگامی زنان و مردان سرزمین‌مان، تجربه تشکیل نهادهای امدادی مردمی بود. مردم دوباره به خاطر آوردند مشارکت زنان و مردان، همبستگی، قدرت اتحاد، تلاش و امید برای تغییر شرایط تحمیلی، قوی‌تر از هر سیلی است و تشکل رمز پیروزیست.

شرکت فعال زنان در این بین، حتی رسانه‌های دولتی را نیز به تحسین واداشت و آنان را مجبور ساخت تا از تلاش صبورانه و متداوم آنان گزارشات متعددی تهیه کنند و نشر دهند. زنان در عمل ثابت کردند، قهرمانان تزلزل‌ناپذیری هستند. علی‌رغم تلاش دولت برای جلوگیری از دخالت‌گری مستقیم مردم، هموطنان با همدلی و همیاری ایستادند و نهادهای کمک‌رسانی مردمی کار خود را پیروزمندانه به پیش بردند. چنان داستانی نوشتند که حتی رسانه‌های دولتی نیز به زانو درآمدند و از تلاش آنان گزارش‌ها تهیه کردند. ایرنا نوشت: «وقتی بیل به زمین کوبیده می‌شود، تا گل‌ها را از خانه بیرون ببرد، همه فکر می‌کنند که دستان تنومند و قوی یک مرد پشت این بیل است که چنان با قدرت خاک و گل را بیرون می‌اندازد، اما همیشه این طور نیست. اینجا دست‌های یک زن است که در کنار مردان بیل می‌زنند».

چه خوب گفت آن اندیشمند و آموزگار کبیر کارگران و زحمتکشان جهان که «بدون شرکت آگاهانه و فعال زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد».



نداشتن سرپناه و با ترس و نگرانی مضاعف خطر تجاوز، خشونت و آزارجنسی هم دست و پنجه نرم می‌کردند، بجای تسلیم شدن به شرایط، پیشگام شدند و دست به دست مردان دادند. همراه پدران، برادران و فرزندان خود گروه‌های امداد مردمی و شوراهای کوچکی را تشکیل دادند و با قدرت ابتکار و اتحادی بی‌نظیر به یاری یکدیگر شتافتند، صحنه‌ها و حماسه‌هایی به جاماندنی آفریدند.

در رزم علیه ویرانی سیل، زنان پا به پای مردان در سازماندهی و مدیریت بحران تلاش کردند، در هر جا که نیاز حس می‌شد، با حضور و شرکت فعال خود به مبارزه با ویرانی شتافتند و در بازسازی و اقدامات پیش‌گیرانه در مواجهه با سیل یاری رساندند. در این ایام بحرانی، زنان برخلاف تبلیغات همیشگی، نه از «جنس ضعیف»، بلکه تکیه‌گاهی قوی و امیددهنده برای فرزندان و خانواده‌های خود بودند، که نه تنها کارآیی و توانمندی‌های خود در فائق آمدن بر مشکلات ناشی از سیل را به اثبات رساندند، بلکه در اثر برخورد با مشکلاتی ناشناخته در زمینه‌های مختلف امکان کارآموزی یافتند و بر مهارت‌های خود نیز افزودند.

زنانی که مشارکت و نقش سازنده آنان در فرهنگ سنتی عقب‌افتاده جامعه اسلامی چهار دهه نادیده گرفته شده؛ به نیازهای طبیعی و بدوی آنها نیز به طور مستمر بی‌تفاوتی نشان داده شده است، تصمیم گرفتند تا به جای «گریستن» و زانوی غم در آغوش گرفتن، به پا خیزند و مبارزه برای تغییر وضعیت موجود را برگزینند. بدون هیچ‌گونه تجهیزات پیشرفته همراه پدران، همسران و فرزندان خود سدها ساختند و از ورود سیل به روستاها و شهرها جلوگیری کردند، گل از خیابان‌ها و خانه‌ها زدودند و در برابر سنگ‌دلی طبیعت سر خم نه کردند و به ناکارآیی و بی‌تفاوتی مسئولان دهن کجی نمودند و درس ایستادگی، مقاومت و مدیریت بحران به آنان آموختند.

نقش بانوان در بازسازی‌های بعد از زلزله حوادث طبیعی در ایران، تمام تلاش چهل ساله رژیم در ساختن نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان را چون قلعه‌های شنی ساحلی واقع در مسیر امواج خروشان دریا درهم فرو ریخت و نابود ساخت. تمامی توهین‌های سالیان گذشته حاکمیت اسلامی به زنان و دورنگاه داشتن آنها از جامعه و فعالیت‌های اجتماعی، حذف نمودن آنان در بسیاری از زمینه‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، تصویب قوانین مذهبی علیه زنان و نابرابری جنسیتی و ... چون تفتی سربالا شد و بر صورت مسئولان رژیم فرود آمد. زنان میهنمان حماسه‌ای عظیم ساختند، که به اندازه یک جو از آن در ذات



زنده باد همبستگی سراسری با سیل زدگان ایران

اعلامیه شماره ۲

ایرانیان آزاده و میهن دوست!

کمک‌های خود را از هر طریق ممکن به دست هموطنان سیل‌زده و مصیبت‌دیده ایران به‌رسانید.

رفقا و هواداران و دوستان حزب!

در هر کجایی که هستید، با جمع‌آوری کمک مالی و ابتکارات شخصی و جمعی به یاری سیل‌زدگان به‌شتابید.

این اقدامات و کمک‌ها، ولو گام کوچکی در همبستگی و یاری‌رساندن به هموطنان ما باشد، اما در این شرایط حساس تاریخی، که دشمنان خارجی و داخلی در امر کمک‌رسانی به مردم به خرابکاری و تبهکاری مشغول‌اند، فوق‌العاده حائز اهمیت است.

حزب ما در حال جمع‌آوری کمک مالی است و از همه رفقا و هواداران و هموطنان عزیز می‌خواهد تا به هر طریق ممکن کمک‌هایشان را به حزب به‌رسانند و همبستگی خود را با سیل‌زدگان ایران ابراز دارند.

زنده‌باد همبستگی با سیل‌زدگان ایران!
حزب کار ایران (توفان)
هیجده فروردین ۱۳۹۸

پیکار کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داران ادامه دارد
(گلچینی از اعتراضات و اعتصابات کارگران در فروردین ماه ۱۳۹۸)

سیل ویران‌گر، جشن نوروز را به عزای ملی مبدل ساخت، داشته و نداشته مردم زیر بار فشار گرانی، بیکاری، بی‌پولی، تحریم و ... را با خود برد، در حالی که حاکمان بی‌صلاحیت و غارت‌گر جمهوری اسلامی را خواب برده بود و امپریالیست‌های متجاوز و فرصت‌طلب به دنبال گرفتن ماهی از آب گل‌آلود سیلاب‌های خودساخته و همچنین ساخته جمهوری اسلامی هستند.

ولی اتحاد و از خود گذشتگی مردم له‌شده زیر خط فقر در بدترین شرایط نیز سبب خلق شگفتی‌هایی شد که چشم دشمنان داخلی و خارجی «کارگران، معلمان، کشاورزان و دیگر زحمتکشان» را کور کرد. در حالی که مردم سیل‌زده به حال خود رها شدند و تا مدتی هیچ کمکی از جانب حاکمان داخلی و کشورهای به ظاهر انسان‌دوست دریافت نداشتند. مردم، خود دست به کار شدند و نشان دادند که ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن، فارس و ... متحد یکپارچه به جنگ سیل و خرابی‌های ناشی از سیل و بی‌خردی حاکمان غارت‌گر می‌روند و با سینه سپر کرده مقابل سیل ویران‌گر به دفاع از هستی خود می‌پردازند.

و در حالی که سیل‌زدگان و مردم دیگر مناطق به جنگ طبیعت کور، بی‌خردی حاکمان و بی‌برنامگی مسئولان رفتند، لحظه‌ای از مبارزه با سرمایه‌داران و مسئولان و نتولیرال‌های داخلی و خارجی غافل نگشتند و همچنین عزیزان دربند خود را که در

زیر فشار مضاعف زندان و شکنجه نیز هستند، فراموش نکردند و به دفاع از آنان، خواهان آزادی آنان هستند. مبارزه کارگران و زحمتکشانشان در فروردین ماه با شدت ادامه داشت که در زیر به بخشی از مهمترین آنها می‌پردازیم.

هفت تپه

۱ فروردین

آغاز سال نو با ادامه جمع‌آوری طومار توسط کارگران هفت تپه در ارتباط با خواست آزادی «اسماعیل بخشی» و دیگر زندانیان شروع شد و بسیاری از کارگران و دیگر مردم در دفاع از کارگران زندانی طومار را امضاء کردند.

۲ فروردین

«اسماعیل بخشی» از درون زندان پیامی پُر از مهر محبت، همراه با روحیه‌ای مقاوم و پُر توان در مبارزه و زندگی برای همکاران، دیگر کارگران و مردم به مناسبت نوروز به بیرون فرستاد. در بخشی از این پیام آمده است: «... از پشت میله‌های زندان به طبقه کارگر، دانشجویان، دادفران و همه عدالت‌طلبان و برابری خواهان درود می‌فرستم، نوروز را شادباش می‌گویم. چه بگویم که واژه‌ها برای قدردانی از حمایت مردم عزیز، خواهران و برادرانم، بی‌وزن هستند.

به امید آزادی، برابری و عدالت. دوستدار مه‌رتان / اسماعیل بخشی، کارگر هفت تپه از زندان مرکزی شهرستان اهواز»
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت فرارسیدن بهار پیام شادباشی صادر نمود. در این پیام آمده است: «کارگران و هم‌سرنوشتان؛ پیام اسماعیل بخشی از پشت میله‌های زندان همراه با فرارسیدن فصل بهار و سال نو، نوید مقاومت و ایستادگی در مقابل درد و رنج و زندان را یادآور شده است. اسماعیل پیام داده «بنگر که دگرگونی، تغییر و ساختن فردای بهتر سرفصل روشن سال است». هم‌سرنوشتان؛ باید در هر شرایطی امیدوار بود، چرا که بدون امیدواری، ما توان مبارزه در راه‌هایی و دست‌یابی به مطالبات به حق را از دست خواهیم داد. زمستان با تمام سختی‌هایش توان مقابله با بهار را نداشته و تاریکی در مقابل روشنایی همیشه زبون و ناتوان بوده است. فرارسیدن بهاران را با این امید، شادباش می‌گوئیم که زندگی به دور از رنج و محنت، به دور از تحقیر و تبعیض، به دور از ستم و استثمار و نابرابری را شاهد باشیم».

۶ فروردین

پیام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت اتفاق ناگواری سیل. در این پیام آمده است که: «تخریب محیط زیست،

روی دیگر منافع صاحبان قدرت است. ... در کشوری که کارگر معترض برای داشتن و دریافت حقوق ماهانه بازداشت و زندانی می‌شود و تن او مورد ضربات شلاق قرار می‌گیرد، باورکردن آن غیرممکن است که تمام مشکلات پیش آمده از سیل روزهای اخیر را تنها به پدیده‌های طبیعی نسبت داد.

از آنچه تاکنون در بعضی از شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته است، مشخص شده که تخریب محیط زیست در راستای منفعت‌های بعضی از افراد صاحب قدرت و همچنین ایجاد پروژه‌هایی برای کسب سودهای کلان و ... از دلایل عمده این خانه‌خرابی گسترده می‌باشد. ... اما دوباره این مردم با شعور و دردکشیده بودند که به یاری هم‌نوعان خود شتافته و با حداقل‌ها، یاری‌رسان و کمک حال سیل‌زده‌گان شدند، درود بر شما مردم با شعور که دوباره نشان دادید که ما باید به فکر خود باشیم چرا که «جنگل خواران» و «زمین خواران» و «رانت‌خواران» و «ژن‌های فساد و تباهی» نه تنها به فکر ما نیستند، بلکه خود از عاملان این مصیبت‌ها بوده و هستند».

۱۸ فروردین

در فراخوان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه جهت حمایت از سیل‌زده‌گان در خوزستان می‌خوانیم که «کارگران و مردم زحمتکش، هر چند که کارگران و خانواده‌های کارگری خود با فقر و ناداری دست و پنجه نرم می‌کنند، اما واقعیت این است که ما کارگران و مردم زحمتکش دادرسی نداریم. پس باید با اتکاء به خانواده بزرگ کارگری در بُعد سراسری، کمک حال خود باشیم و با همت و فداکاری بیشتر از گذشته هر آنچه را که در توان داریم، در اختیار سیل‌زده‌گان بگذاریم».

۱۹ فروردین

دوشنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۸ کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به دلیل عدم دریافت سنوات سال‌های ۹۵ و ۹۶ در محوطه کارخانه دست به اعتراض زدند.

۲۳ فروردین

هرچه سریع‌تر تالاب هورالعظیم را برای نجات شهرها و روستاهای خوزستان آب‌گیری کنید!
صدوپانزده عضو هیئت علمی دانشگاه اهواز در نامه‌ای به روحانی بر لزوم آب‌گیری تالاب هورالعظیم «در اسرع وقت» و «به صورت دائمی» جهت نجات شهرها و روستاهای خوزستان تأکید کردند.

۳۰ فروردین

رئیس اتحادیه خدمات آلمان، آقای فرانک بزیرسکه، طی

عزا تبدیل کرد. ... سیلاب اخیر از استان‌های شمالی مازندران و گلستان تا استان‌های غربی کرمانشاه و کردستان، استان‌های جنوبی و جنوب غربی فارس و خوزستان و بوشهر جملگی به واسطه اشتباهات مسئولین شهری و کشوری تشدید شد، از خط راه آهن گرگان گرفته که بدون آبراه و گذرگاه سیلاب ساخته شده تا پُر کردن مسیل رودخانه در دروازه قرآن شیراز و تبدیل آن به اتوبان؛ و هزاران اشتباه مهلک دیگر. گویی که آقایان گمان کرده‌اند خشکسالی کشور دایمی خواهد بود و دیگر ایران با ترسالی و بارش زیاد مواجه نه خواهد شد. ...

سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه مراتب همدردی خود را با هموطنانی که گرفتار سیلاب شدند، اعلام داشته و به کسانی که عزیزانی را در سیل ویران‌گر از دست داده‌اند، تسلیت عرض می‌نماید. ...»

۲۲ فروردین

دیدار جمعی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، فعالان کارگری و فعالان دانشجویی با خانواده‌های معلمان زندانی «اسماعیل عبدی» و «محمد حبیبی».

فرهنگیان

۱۶ فروردین

ستاد همیاری فرهنگیان ایران در حمایت از سیل‌زده‌گان: تشکیل گروه‌های همیاری، حمایت مردمی از سیل‌زده‌گان است! هموطنان عزیز!

ضمن تسلیت به خانواده جانباختگان بحران سیل، ما به عنوان جمعی از فرهنگیان ایران در راستای کمک به هموطنان آسیب‌دیده قصد داریم با تهیه اقلام ضروری در شهرهای مختلف نسبت به امدادسانی اقدام نماییم.

۱۹ فروردین

«گلرخ ابراهیمی» با پایان محکومیت پرونده قبل و قرار کفالت پرونده جدید دوشنبه ۱۹ فروردین ۹۸ از زندان اوین آزاد شد.

۲۰ فروردین

معلمان مدرسه شهید آوینی - منطقه ۱۲ تهران - روز سه شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۸ به خاطر پرداخت نشدن حق‌التدریس خود از حضور در کلاس‌های درس خودداری کردند.

۲۱ فروردین

دیدار جمعی از شورای کارگری بازنشستگان تأمین اجتماعی (بستا) و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران از خانواده معلم

نامه‌ای به زندانی‌کردن «اسماعیل بخشی» و «سپیده قلیان» اعتراض کرد و خواهان آزادی این دو نفر و سایر کارگران زندانی شرکت نیشکر هفت تپه شد.

ایشان در این نامه که به علی اکبر دبیران، سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، ارسال شده، خواهان آزادی فعالیت مستقل و آزاد سندیکای نیشکر و فعالیت اتحادیه‌ها در ایران شدند.

شرکت واحد

سندیکای کارگران شرکت واحد در بیانیه‌ای به مناسبت آغاز سال نو آورده است که: «کارگران و سایر مزدبگیران در ایران سالی بسیار پرمشقت را به لحاظ عدم برخورداری حتی از معیشتی حداقلی پشت سر گذاشتند. ... در سالی که گذشت به‌رغم گرانی‌های چندبرابری مایحتاج زندگی برابر آنچه رسماً انتشار یافته حقوق چند صد هزار کارگر دائماً تا چند ماه به تعویق افتاد و اعتراضات کارگران برای دریافت حقوق حداقلی تعیین شده سرکوب شد، اما در مقابل اراده‌ای برای برخورد با افرادی که به واسطه ارتباطات‌شان با شبکه رانتی و اختلاس در کشور این سیه‌روزی را بر کارگران تحمیل کردند، دیده نمی‌شود. ...»

در سال ۹۷ همچون گذشته برخورد پلیسی، امنیتی و قضایی با کارگران، معلمان، فعالان صنفی، دانشجویی و فعالان مدنی ادامه داشت و تعداد زیادی از آنان بازداشت و با احکام ناعادلانه برای سال‌ها روانه زندان شدند. برخوردهای امنیتی با افرادی که در جریان اعتراضات صنفی همچنین اعتراضات مردمی در دی ماه ۹۶ در اعتراض به گرانی و تورم صورت گرفته بسیار چشمگیر می‌باشد و ضروری است این زندانیان فوری و بدون قید و شرط آزاد گردند و تعقیب و مراقبت فعالان کارگری و دیگر فعالان صنفی متوقف گردد. ...»

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نوروز باستانی سال ۱۳۹۸ را به همه کارگران تبریک عرض می‌نماید و با توجه به اینکه ایجاد سندیکا و تشکل مستقل کارگری، تکیه بر نیروی جمعی کارگران و سازمان‌یابی اعتراضات کارگری راه برون‌رفت کارگران از وضعیت مشقت‌بار فعلی می‌باشد، سالی همراه با موفقیت و سعادت‌مندی را برای همکاران خود در شرکت واحد و عموم کارگران و مردم فرودست آرزو دارد.»

۱۰ فروردین

سندیکای شرکت واحد با صدور اطلاعیه‌ای همدردی خود را با سیل‌زده‌گان اعلام داشت؛ در این اطلاعیه آورده است: «سیل و بی‌کفایتی حاکمان؛ سبزی بهار و شادی نوروز را به سیاهی و

زندانی «محمود بهشتی».

۲۴ فروردین

دیدار نوروزی جمعی از معلمان و فعالان صنفی با خانواده معلمان زندانی «اسماعیل عبدی» و «محمد حبیبی».

۲۹ فروردین

فراخوان تجمع سراسری و گسترده فرهنگیان ایران. بدین وسیله شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، تجمع اعتراضی روز ملی معلم را به اطلاع تمامی همکاران عزیز می‌رساند.

لذا از تمامی همکاران بزرگوار اعم از پیش‌کسوتان و شاغلان انتظار می‌رود تا با همبستگی و همدلی هرچه بیشتر در هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن این تجمع همراهی و همکاری لازم را داشته باشند.

لازم به ذکر است که این تجمع در راستای پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی و در اعتراض به عدم توجه مسئولان به مطالبات بر حق فرهنگیان، به صورت گسترده و سراسری در تمامی استان‌ها و شهرستان‌های کشور برگزار خواهد گردید. بدیهی است حضور تک‌تک شما فرهیختگان، تأثیر مثبت و مستقیم در تحقق مطالبات بر حق فرهنگیان خواهد داشت.

پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ ساعت ۱۰ تا ۱۲ در مراکز استان‌ها اداره کل آموزش و پرورش استان و در مراکز شهرستان‌ها ادارات آموزش و پرورش شهرستان. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران جمعی از فعالین سیاسی و مدنی، در خانه «اسماعیل عبدی»، معلم محبوس در زندان اوین، حاضر شدند و با خانواده وی دیدار کردند. این فعالان سیاسی و مدنی ضمن اعلام همبستگی با خانواده «اسماعیل عبدی»، خواستار آزادی او هستند.

هپکو اراک

۲۷ فروردین

کارگران هپکو، از بستن راه آهن تا امداد رسانی. در جریان سیل لرستان، کارگران هپکو اراک در قالب تیم‌های ۳۰ نفره مشغول به امداد رسانی به مردم مناطق سیل‌زده هستند. این کارگران، ماشین‌آلات سنگینی را که در این موقعیت بحرانی برای مقابله با سیل ضرورت دارند، به رایگان برای مردم تعمیر می‌کنند. همچنین آنها با ایجاد تغییرات در پمپ‌هایی که در شرکت هپکو مورد استفاده است، این پمپ‌ها را برای تخلیه گل و لای خانه‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند. علاوه بر این، چند نیشان کمک‌های غیرنقدي توسط این کارگران برای مردم

مناطق سیل‌زده ارسال شده است.

این همان کارگرانی هستند که در سال گذشته در اعتراض به واگذاری شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو به بخش خصوصی و همچنین عدم دریافت ۸ ماه حقوق معوقه دست به تحصن زدند و چندین بار راه آهن شمال به جنوب را بستند. و در نهایت چند تن از این کارگران به زندان و شلاق محکوم شدند. کارگران هپکو در جریان کار و فعالیت خود به این نتیجه رسیده‌اند که در این مواقع بحرانی نمی‌توان چشم انتظار کمک‌های مسئولین بود. بلکه خود کارگران باید با اتحاد و همدلی برای نجات هموعان خود وارد عمل شوند.

۲۹ فروردین

کارگران کارخانه قند فسا به علت پرداخت نکردن حقوق اسفندماه ۹۷ در مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی کردند.

۲۷ فروردین

کارگران کارخانه کاشی کوثر در یزد: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کاشی «کوثر ابرکوه» یزد نسبت به اخراج و عدم پرداخت مطالبات‌شان مقابل کارخانه.

بیانیه تشکل‌های مستقل کارگری به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه

در این بیانیه آورده‌اند: «سال ۹۷ را، در شرایطی آغاز می‌کنیم که دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر بر کارگران تحمیل شده و در عین حال شیرازه‌های اقتصاد و اداره جامعه به شکل غیرقابل کنترلی در حال ازهم‌گسیختگی است و در این میان جناح‌های مختلف قدرت برای بقا و تأمین منافع ضدانسانی خود، هیچ برنامه‌ای جز تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به میلیون‌ها کارگر و مردم زحمتکش ایران و سرکوب اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه ندارند.

در حالی که سبد هزینه واقعی زندگی یک خانوار چهار نفره بالای پنج میلیون تومان است و عوامل و جیره‌خواران حکومت در نهادهای دست‌ساز کارگری، آن را سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تعیین کردند؛ با این حال این جیره‌خواران همراه با اربابان‌شان، به طور بی‌شرمانه‌ای چشم در چشم میلیون‌ها کارگر، با امضاء و تصویب یک میلیون و یکصد و چهارده هزار تومان به عنوان حداقل مزد، اعلام کردند سهم شما کارگران از زندگی، فقر و فلاکت، خودکشی، کلیه روشی و غوطه‌ور شدن در تباهی است. اول ماه مه روز جهانی کارگر پیش روی ما کارگران است. این روز، روز ماست. روز اعتراض و اتحاد ما علیه ستم و بردگی در سرتاسر جهان است. ما می‌توانیم و باید در جای‌جای کشور دست‌هایمان را در دست

حضور نیروهای ضدشورش در مناطق مختلف اهواز برای سرکوب تظاهرکنندگان. تظاهرات مردم خشمگین در «عین دو»، «ملاشیه» و «کوی علوی»

۲۶ فروردین

بیش از ۲۵ نفر از امداد رسانان مردمی در اهواز توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

این افراد عضو «مرکز کمیته مردمی» در ملاشیه بودند و بعد از مستحکم سازی سیل بندهای این منطقه دستگیر شدند. همچنین ۵ شهروند اهوازی دیگر به دلیل شرکت در تجمع‌های اعتراضی «به عدم رسیدگی مسئولین به مناطق سیل زده» دستگیر گردیدند. در حالی که بخشی از مردم میهن عزیز، ولی گرفتارمان، درگیر سیل هستند و بخشی دیگر به کمک آنان شتافته‌اند و با دست خالی به جنگ سیل رفته‌اند، مسئولان بی‌خرد و نالایق، که خود از بلا طبیعی سیل، سهمگین ترند و البته با برنامه‌های «میهن بر باد ده» خود خرابی‌های سیل را چندین برابر کرده‌اند، به جای نهادن مرهمی بر زخم مردم سیل زده، به سرکوب آنان و یاری دهندگان‌شان رفته و بدخویی و ددمنشی و درندگی خود را به نمایش گذاشته و نمک بر زخم مردم زحمتکش این مرز و بوم می‌پاشند و گمان می‌کنند که بدینسان اتحاد، مقاومت، تلاش و مبارزه مردم برای زندگی شایسته را پایان خواهند بخشید. زهی خیال باطل!

فروردین به پایان رسید و کارگران و معلمان و دیگر زحمتکشان، پُرشورتر از قبل به استقبال اردیبهشت ماه کارگران و معلمان و زحمتکشان می‌روند تا برگ زرین دیگری به تاریخ مبارزات زحمتکشان این مرز و بوم اضافه کرده و دشمنان داخلی و خارجی ایران و ایرانی را پشیمان سازند. یک بار دیگر اتحاد زحمتکشان در مقابل سیل نشان داد که تنها و تنها چاره درد مردم ایران در تشکل مستقل زحمتکشان است و راهی جز این وجود ندارد. •

همدیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهائی از فقر و فلاکت، نیروی به هم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد و همراه با بازنشستگان، معلمان، کشاورزان و عموم توده‌های آزاده مردم ایران، گام‌های تعیین کننده‌ای را برای پایان دادن به مشقات و مصائب موجود و بن بست اقتصادی سیاسی کشور برداریم. نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گرو اعتراضات سراسری ماست.

پیش به سوی اعتراضات گسترده در اول ماه مه (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر اتحادیه آزاد کارگران ایران انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه سندیکای نقاشان استان البرز کانون مدافعان حقوق کارگر کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری ایران»

سیل

۶ فروردین

مسدود شدن حساب فعالان دانشجویی امداد رسان حاضر در منطقه. حساب «محمد امین حسینی»، از فعالان دانشجویی حاضر در منطقه ساعاتی پیش مسدود شد.

۸ فروردین

تجمع مردم در دروازه قرآن شیراز به یاد جانباختگان سیل فروردین ۹۸ با خواندن سرود «ای ایران ای مرز پُر گهر»، «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، شیرازی با غیرت، صاحب عزاست امروز»

۲۰ فروردین

شهروندان سیل زده خوزستانی، که از سیستم کمک رسانی و نبود حمایت لازم از سوی حاکمیت ناراضی هستند، شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر روحانی» سردادند.

۲۲ فروردین

تیم‌های امداد مستقل دانشجویی، کانون‌های صنفی معلمان و نیروهای همیاری مردمی در خط اول کمک به سیل زده‌گان مردم گلدشت جاده اهواز به خرمشهر را به علت نرسیدن کمک‌ها به سیل زده‌گان مسدود کردند.

۲۳ فروردین

اعتراض مردم خشمگین حاشیه‌نشین شلنگ آباد در اهواز و

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

از دست داد و حکام زورگو و ضد مردمی در این راه جلوتر از زمان به پیش می‌روند. اینجا اصول گرا و اصلاح طلب، مسجدی و بازاری، «عبایی» و کرواتی متحداً به میدان آمده‌اند و در این راه البته از حمایت جهان سرمایه‌داری نیز برخوردارند. و جالب اینکه اکثریت اپوزیسیون خارج از کشور نیز از سیاست‌های ریاضتی ایران دفاع می‌کنند و رهنمود می‌دهند!

نظام سرمایه‌داری در هر مرحله‌ای، همیشه در یک امر متحد است، در امر چپاول اموال مردم در هر گوشه‌ای از جهان. این بخش از اپوزیسیون در واقع برخلاف شعارهای دروغینی که شبانه‌روز از رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته به اجنبی سر می‌دهند، علاوه بر غارت اموال مردم، خواهان به انقیاد کشاندن کشور هم هستند. اینها هم چون حاکمین در قدرت، حامی مردم و به خصوص زحمتکشان جامعه نیستند، دشمن آنان‌اند. این‌ها اگر به قدرت برسند، علاوه بر نیروهای سرکوب داخلی، از نیروهای سرکوب ابرجهان‌خواران و صهیونیست‌ها نیز برخوردار خواهد بود.

خوشبختانه اقبال زحمتکش جامعه در مسیر مبارزه طولانی خود برای احقاق حقوق برحقش به یک نتیجه معقول و کارا رسیده است. تلاش برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری، معلمان، دانشجویان و بازنشستگان نوید یک دوره جدیدی از مبارزات به حق زحمتکشان جامعه را می‌دهد. رسیدن به این راز پیروزی را باید به زحمتکشان کشورمان تبریک گفت.

روشن است دشمنان طبقاتی مردم چه در حکومت و چه در اپوزیسیون از چنین دست‌آوردی وحشت دارند. ولی این راه ادامه دارد و هم اکنون اینجا و آنجا ندای اتحاد زحمتکشان را می‌شنویم. اتحاد سراسری بازنشستگان ایران نمونه‌ای از این حرکت بزرگ است. این شکل در یکی از بیانیه‌های خود چنین می‌گوید:

«با چنین رویکردی است که امروز اتحاد سراسری بازنشستگان ایران با هدف ایجاد صنفی واحد از تمام بازنشسته‌هایی که دغدغه یک زندگی شایسته و مناسب توأم با آرامش، آسایش، رفاه و امنیت خاطر را دارند، اعلام موجودیت می‌کند. ما برآنیم که اتحاد و همبستگی و همراهی ما به عنوان یک سرمایه اجتماعی بزرگ می‌تواند و باید به پراکندگی و تشتت صفوف مان فائق آید، ما را در دور کردن دست غارت‌گران از صندوق‌هایمان و در دست‌گرفتن کنترل آنها و تحقق خواسته‌ها و مطالبات به حق مان و در نهایت برخورداری از زندگی شایسته یاری دهد. هر چه گسترده‌تر باد اتحاد تمام بازنشستگان».

نان، کار، مسکن، آزادی و عدالت اجتماعی، شعارهای طبیعی و مطالبات طبقاتی اکثریت قاطع مردم تحت ستم ایران، به ویژه



اتحاد و تشکل، رمز پیروزی کارگران است

سراغ دارید روزی راه، هفته‌ای را که اقشاری از زحمتکشان ایران برای دریافت حقوق ناچیزشان، که سه تا چهار بار زیر خط فقر است، دست به اعتراضات و تظاهرات نه‌زندان و نیروهای سرکوب، که قرار بود حافظ جان و مال و حقوق رنجبران وطنمان باشند، با ایجاد رعب و وحشت، دستگیری و زندان، این اقشار و طبقات محروم، محروم از نان، محروم از کار، محروم از مسکن، محروم از آزادی و عدالت اجتماعی را به کنار نه‌زندان و از آن طرف از غارت‌گران، اختلاس‌گران مرتجع و عقب‌افتاده سیاسی و اجتماعی در قدرت حمایت نه‌کنند!؟

سیاست‌های ویران‌گر نئولیبرالی، که تمام زیرساخت‌های اقتصادی کشور را که بعضاً قبل از انقلاب و بسیاری در پس انقلاب، ملی شده بود، به تاراج گذاشته است و با خصوصی‌سازی کارخانه‌های ملی دست هر غارت‌گری را در نابودی اقتصاد کشور و در پی آن مردم را به سرازیری فقر و نیستی کشانده است. به راستی شرم‌آور است وقتی مقامات دولتی و مسجدی و نمازجمعه‌ای زمانی که ایران از سوی ابرجهان‌خوار امپریالیستی آمریکا و با دستور و حکم صهیونیست‌ها زیر تحریم‌های اقتصادی کمر خم نموده است، به جای دفاع از حقوق زحمتکشان جامعه و رسیدگی به خواسته‌هایشان چهار نعل سیاست‌های ریاضتی را ادامه می‌دهند. روشن است برای دستیابی و چپاول اموال مردم نه باید زمان را

لیست کمک‌های مالی به سیل زده‌گان

سوئد

۱ قدرت فاضلی:	۳۰۰۰ کرون سوئد
۲ باباپور سعادت:	۳۰۰۰ کرون سوئد
۳ حسن مختاری:	۱۰۰۰ کرون سوئد
۴ منصور مختاری:	۱۰۰۰ کرون سوئد
۵ نبی مفیدی:	۳۰۰۰ کرون سوئد
۶ نادر رازی:	۱۰۰۰ کرون سوئد
۷ رفیق مجلسی:	۱۰۰۰ کرون سوئد
۸ بهرام رازی:	۲۰۰۰ کرون سوئد
۹ مونا ع. ب.:	۲۰۰۰ کرون سوئد
۱۰ سارا:	۱۰۰۰ کرون سوئد
۱۱ شهلا ع.:	۱۵۰۰ کرون سوئد
۱۲ س. ب. الف:	۱۵۰۰ کرون سوئد
۱۳ حمید بهمنی:	۳۰۰۰ کرون سوئد

فنلاند

۱۴ اصغر پهلوان:	۵۰ یورو
۱۵ حسن حسینی:	۵۰ یورو

آمریکا

۱۶ داریوش فاضلی:	۵۰ دلار
------------------	---------

کانادا

۱۷ جانبرا روحی:	۱۰۰۰ یورو
-----------------	-----------

ایران

۱۸ پرستو الف:	۱۰ میلیون تومان
۱۹ عباس گودرزی:	۵ میلیون تومان
۲۰ احمد قاسمی:	۵ میلیون تومان
۲۱ دکتر فروتن:	۴ میلیون تومان
۲۲ عباس سغائی:	۲ میلیون تومان
۲۳ دکتر ارانی:	۲ میلیون تومان
۲۴ سید ج.:	۱،۴ میلیون تومان

کارگران و زحمتکشان ایران است. اما برای اینکه بتوان به این مطالبات سوزان دست یافت، باید تشکیلات و سازمان داشت و آگاهانه و متحد علیه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که سد تکامل و پیشروی طبقه کارگر ایران است، رزمید و این پیکار را به مبارزه علیه دشمنان خارجی، که سودای ویرانی ایران را در سر می‌پرورانند، پیوند زد.

اقشار و طبقات زحمتکش و محروم جامعه حق‌شان است برای حفظ استقلال کشور و خود، برای دستیابی به نان، کار، آزادی و عدالت اجتماعی به تشکل، به سازمان و در نهایت به حزب طبقه کارگر روی آورند. تشکل و حزبیت رمز پیروزی است. تنها دشمنان طبقات و اقشار زحمتکش جامعه در برابر چنین تشکلاتی قد علم می‌کنند.

زحمتکشان میهنمان باید دست رد بر دشمنان درون و برون حکومت زده و صفوف خود را محکم‌تر کنند. البته دشمنان مردم بیکار نخواهد نشست، از توطئه دست برنخواهند داشت. باید هوشیار بود و نباید فریب حیل‌های احزاب و جریانات به ظاهر کارگری را خورد، که همه جا یا به طور شرم‌گینانه و گاه مستقیم از دشمنان برون مرز، چون اسرائیل و آمریکا، دفاع می‌کنند.

حزب کار ایران (توفان) ضمن دفاع قاطعانه از خواست‌های به حق زحمتکشان کشور، در راه ایجاد تشکلات دمکراتیک کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، زنان و بازنشستگان و غیره از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند.

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز
انقلاب مبارزه کرد



باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

کرده و وعده کمک مالی برای بازسازی آنها به دهند. برعکس آنها به هويت ملی این کشورها تاختند، آثار تاریخی آنها را، که متعلق به میراث فرهنگی بشریت متمدن بودند، نابود ساختند و یا به سرقت بردند و در موزه‌های نیویورک، پاریس و لندن به تماشا گذاردند.

هیچکس در این ممالک امپریالیستی نسبت به تجاوز عربستان سعودی به یمن با سلاح‌های فرانسوی اعتراضی ندارد و به یاد نمی‌آورد که آقای مکرون رسماً اعلام کرد، فروش اسلحه به عربستان سعودی را نباید با قتل قاشقچی هم کاسه کرد. امروز شهر تاریخی و قدیمی صنعا در زیر بمباران بمب‌های فرانسوی، انگلیسی و آمریکائی قرار دارد و می‌سوزد، ولی وجدان کسی از نسل کثی در یمن معذب نمی‌گردد. سوختن نیز طبقاتی است.

هیچکس در این ممالک امپریالیستی نسبت به سیل خانمان برانداز ایران واکنش نشان نداد و به جمع‌آوری کمک مالی فرخواند، زیرا به علت تحریم‌های بربرمنشانه آمریکا و اروپا علیه ایران، ارسال کمک به ایران مقدور نیست. سوختن یک کلیسای فرانسوی از نابودی صدها شهر ایرانی با اهمیت‌تر است. اخلاق امپریالیستی اخلاق نفرت‌انگیزی است.

تمام رسانه‌های گروهی برنامه‌های بی‌ارزش و عوام‌فریبانه خویش را قطع کردند و مرتب در مورد زبانه‌ی شعله‌های



شهرها و میراث فرهنگی نیز طبقاتی می‌سوزند و نابود می‌شوند

وجدان غرب بعد از آتش‌سوزی در پاریس جریحه‌دار شده است و ما فوراً با واکنش سریع مقامات و سازمان‌های بین‌المللی و همدردی با کشور فرانسه برای سانحه کلیسای نتردام روبرو شده‌ایم.

یونسکو از آمادگی خود برای کمک به فرانسه برای نجات و بازسازی خبر داد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا با انتشار توییتی نسبت به این حادثه واکنش نشان داد و ضمن اظهار تأسف خواستار اقدام فوری مأموران آتش‌نشانی برای جلوگیری از گسترش دامنه آتش شد. او این آتش‌سوزی را وحشتناک توصیف کرد. خانم مرکل، صدراعظم آلمان، نتردام را نماد فرهنگ اروپایی خواند. هایکو ماس، وزیر خارجه آلمان، گفت آتش‌سوزی مهیب نتردام قلب ملت آلمان را جریحه‌دار کرد. صادق خان، شهردار لندن، در توییتی گفت که با حزن و اندوه به خاطر آتش‌سوزی در کنار پاریس قرار داریم و بر دوستی همیشگی لندن و پاریس تأکید کرد.

در ممالک امپریالیستی مردم را توسط رسانه‌های عوام‌فریب فراخواندند که برای بازسازی کلیسای نتردام کمک‌های مالی جمع‌آوری کنند تا این کلیسا بازسازی شود.

ولی هیچ‌کدام از این مقامات و «انسان‌های والا» لب از لب نه‌گشودند تا کشتار صدها هزار نفر مردم را در شهرهای تاریخی و مخروب شده بغداد، حلب، پالمیر، کابل، صنعا به دست امپریالیست‌ها که از آنها شعله برمی‌خاست، محکوم



صنعا در یمن

آتش در پاریس سخن می‌گویند، تو گوئی که جهان به پایان رسیده است. ولی وقتی بغداد، حلب و صنعا در لهیب آتش و بمب می‌سوختند، رسانه‌های گروهی غرب تجاوز آشکار به حقوق ملل را توجیه می‌کردند و قلدنمنشانه خواهان برکناری صدام حسین و بشار اسد بودند، وقتی سیل، ایران را می‌برد، حساب می‌کردند و می‌کنند که به چه بهائی این ممالک را بهتر می‌توانند غارت کنند.

سراپای استعمار اروپا، از جمله استعمار فرانسه بوی تعفن و مرگ می‌دهد. نشانه آخرین خون‌ریزی آنها در حلب است

نُتردام آتش گرفت، چه خوب است بیاد آوریم که در آتش مین‌ها و بمب‌های آمریکائی و فرانسوی، انگلیسی و همدستی آلمان‌ها با آنها هزاران نفر در این عرصه‌ها سوختند و خاکستر شدند و حتی نمی‌توان بر مزار آنها گذر کرد و به یادشان گریست. از حقوق بشر امپریالیستی تنها بوی خون می‌تراود که آنرا بر پرچم «آزادی خواهی و دموکراسی» خویش نه‌نوشته‌اند. آنها هوادار نقض حقوق ملل به بهانه تأمین حقوق بشرند، تا با کشتار ملل به ریش حقوق بشر به‌خندند.

ما اگر به خرافات معتقد بودیم، آتش‌گیری نُتردام را محصول «آه» مردم سوریه و یمن می‌دانستیم و اگر از مرز بی‌شرمی عبور می‌کردیم، نتانیا‌هو را می‌دیدیم که در یک نُطق غرّاء آتش‌سوزی نُتردام را به پای مسلمانان فلسطینی می‌نوشت.

هنوز هم دیر نشده است، از کجا معلوم که عامل این آتش‌سوزی «سپاه پاسداران» جمهوری اسلامی نه‌باشد که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌های تروریست آنها را تروریست نامیده‌اند.

از چپته امپریالیسم همه چیز برمی‌آید. نازی‌ها با آتش‌زدن «رایش‌تاگ» (مجلس آلمان در دوران جمهوری وایمار) گناه آنرا به گردن کمونیست‌ها گذاردند و کمونیست‌کشی را آغاز کردند و جای شگفتی نه خواهد بود که امپریالیسم فرانسه بر اساس مصالح سیاسی روز در فردای «تحقیقات» مسئولان، دستان «آلوده دشمنان» خود را در آن بیابد و آتش‌نوینی برپا کند.

آتش‌سوزی نُتردام در قیاس با آتش‌زدن حلب و یمن به دست فرانسه قطره‌ای از دریاست و برای حزب ما احساس همدردی با بورژوازی امپریالیستی فرانسه ایجاد نمی‌کند.

حزب کار ایران (توفان)
سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۸ •

که زیر بغل داعش را گرفته بودند تا حکومت مشروع بشار اسد را سرنگون کند، نوکران فرانسه را بر سر کار آورد. در اینجا متوجه می‌شویم که «ارزش» یک کلیسای غربی با عمر چند صد ساله از ده‌ها پایتخت تاریخی مسلمانان و شهرهای خاورمیانه که میراث تاریخی بشریت با قدمتی چند هزار ساله است، بیشتر می‌باشد. نژادپرستی نهفته در غرب محصول جامعه طبقاتی و شستشوی مغزی مردم است.



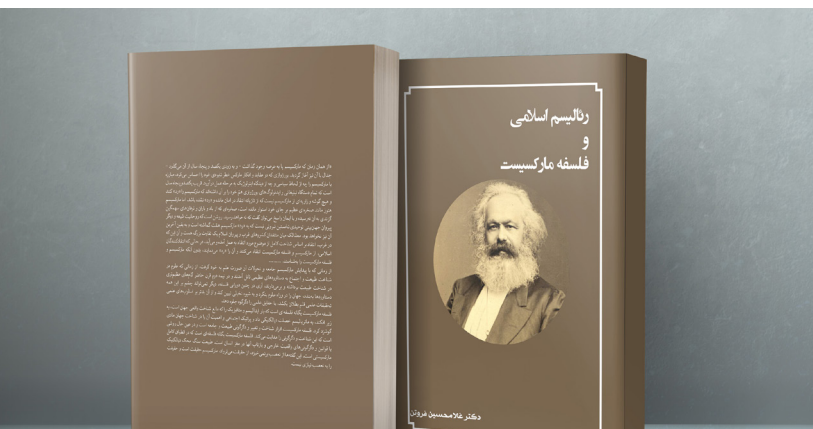
حلب در سوریه

وقتی گله‌های داعش را بسیج کردند و برای قتل‌عام، تجاوز و آتش‌سوزی به سوریه گسیل داشتند و تدارک حمله به ایران را می‌دیدند، اشک‌های این «وجدان‌های جریحه‌دار» شده سرازیر نبود، ولی اکنون پاریس غمگین است و قلب اروپا مالش می‌رود. بشردوستی آنها نیز طبقاتی است. برخوردشان به حفظ



بغداد در عراق

آثار فرهنگی و میراث بشریت نیز طبقاتی و غارت‌گرانه است.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید

به مناسبت سالروز تولد نابغه

سینما

۱۶ آوریل ۱۸۸۹، ۱۳۰ سال پیش در چنین روزی چارلی چاپلین در لندن زاده شد.

۱۳ ساله بود که حرفه هنرپیشه گی را برگزید و ۱۹ ساله بود که آوازه کارش در سراسر لندن پیچید.

۲۱ ساله بود که برای اجرای سلسله نمایشنامه‌هایی به آمریکا رفت و یک سال پس از آن نخستین قراردادش را با شرکت تهیه فیلم «کیستون» بست. چندی بعد با دو شرکت دیگر هم کار کرد تا سرانجام پس از بازی در ۷۲ فیلم در ۳۳ سالگی خودش شرکت تهیه فیلم «یونایتد آر تیستز» را تشکیل داد. از آن پس فیلم‌نامه‌ها را خودش می‌نوشت، موسیقی‌اش را می‌ساخت، در نقش اصلی بازی می‌کرد و تهیه‌کننده هم خودش بود.

۴۷ ساله بود که «عصر جدید» را ساخت و پرداخت و برای نخستین بار ترانه‌ای در آن گنجانید و خواند. از آنجا که یکی از صحنه‌های این فیلم کارگران تظاهرکننده‌ای را نشان می‌دهد، پس از جنگ دوم جهانی در اوجگیری پیگرد کمونیست‌ها در آمریکا، او را هم به جرم کمونیست‌بودن از آمریکا اخراج کردند، حتا هنگامی که برای دریافت اسکار به لوس آنجلس دعوت شد، تنها یک ویزای ۱۰ روزه به او دادند. او در واکنش فقط گفته بود: «مثل اینکه هنوز هم از من می‌ترسند».

چارلی چاپلین نابغه سینما و هنرمند مردمی، بدون شک یکی از استثنائات هنر هفتم بود. زندگی این هنرمند سراسر در حمایت از زحمتکشان، انتقاد از سرمایه‌داری و حمایت از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عصر استالین بود و این مواضع خود گناهی بود که از جانب امپریالیسم قابل بخشش نبود. در دورانی که وجدان بشری از بهمیت فاشیسم منزجر شده بود و به پای تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر رفت، امپریالیسم آمریکا به تدارک هجوم عظیمی علیه هنرمندان، نویسندگان و روشنفکران مرفعی این کشور پرداخت. هنوز مَرکب طرح اعلامیه جهانی حقوق بشر در نیویورک خشک نشده بود، که امپریالیسم آمریکا چاپلین را در سال ۱۹۴۷ به خاطر بیان افکارش و حمایت بی‌دریغ‌اش از زحمتکشان به محاکمه کشید و با بستن اتهام کمونیستی به وی قصد اخراج او را از آمریکا در سر می‌پروراند. با نمایش فیلم «دیکتاتور بزرگ» در شوروی سوسیالیستی بر دامنه حملات آنتی کمونیست‌ها در آمریکا به چاپلین افزوده گشت. در یک مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار مزدور آمریکائی از چاپلین می‌پرسد:

«در گذشته اغلب این اجبار دیده شده می‌شد که شما را متهم به دنباله‌روی و هواداری از کمونیسم به کنند. می‌توانید موضع





پیرامون جنبش انقلابی و انقلاب در سودان

یکم، جنبش اعتراضی و توفنده سراسر سودان را فراگرفته است. در ۴ ماه گذشته، مردم به طور مداوم با شعار «نان، آزادی، صلح، عدالت» در خیابان‌ها رژه می‌روند. مردم سودان ۳ دهه استبداد رژیم عمرالبشیر را تجربه کردند و آموختند که برای سامان دادن به یک زندگی شرافتمندانه باید به خیابان‌ها ریخت و رژیم را از سر تا پا به زیر کشید. حذف یارانه نان و چند برابر شدن قیمت آن جرقه اعتراضات عمومی را زد. فریاد «ما از خانه‌ها بیرون آمده‌ایم، بیرون آمده‌ایم بر علیه آنهایی که دسترنج ما را دزدیده‌اند»، «مردم انقلاب را انتخاب کرده‌اند»، در سراسر کشور طنین انداخته است. شعار «نژادپرستان، ما همه دارفوری هستیم» بر علیه نسل‌گشی در «دارفور» همه جا شنیده می‌شود. اقشار مختلف جامعه از شهر تا روستا، از کارگران بندر و مخابرات و کارگران کشاورزی و دهقانان خرده پا تا پزشکان عمومی و متخصص و مهندسان و آموزگاران و دانشگاہیان و زمین‌شناسان مصمم شدند، تا تومار یک استبداد ۳۰ ساله را درهم بپיچند.

زنان سودان در سطح وسیع در صف اول اعتراضات قرار دارند. شهر عطبره، که در آن اتحادیه کارگری مستقل و قدرتمند فعالیت دارد، بطور پیوسته در مبارزات شرکت می‌کنند. «انجمن متخصصان»، یکی از ارکان اساسی جنبش اعتراضی را تشکیل می‌دهد. پزشکان در بیانیه‌ای اعتصاب عمومی نامحدود را فراخواندند. کارگران «بندر سودان» بر علیه خصوصی‌سازی دست به اعتصاب زدند. فعالیت‌های کارگری در «اتحادیه برای احیای اتحادیه‌های کارگری ممنوع شده» تمرکز یافت. سازمان‌های جوانان و زنان خود را با تمام نیرو با جنبش پیوند

سیاسی کنونی خود را روشن کنید». چارلی که فضای ترور آنتی کمونیستی را حس می‌کرد، با احتیاط جواب داد:

«برای من جداً در زمان حال سخت است که موضع روشنی اتخاذ کنم. همه چیز تعمیم داده می‌شود، همه چیز را صوری می‌بینند. چنانچه آدم برای مثال پایش به لبه پله بخورد، پله چنانچه آدم پای چپش به لبه پله بخورد فوراً مطرح می‌شود که کمونیست است. لیکن من به هیچ عقیده سیاسی ابداً وابسته نیستم. من در تمام طول عمرم وابسته به حزب سیاسی نبوده‌ام و در زندگی‌ام تاکنون در انتخاباتی شرکت نکرده‌ام..... آیا پاسخ سؤال شما را دادم؟»

این پاسخ سؤال مأمور معذور نبود و وی ول کن نبود و می‌خواست بداند که آیا چارلی چاپلین هوادار کمونیسم هست و یا نیست. چاپلین مجدداً جواب داد:

«هوادار کمونیست؟ این امر باید دقیق‌تر توضیح داده شود. من نمی‌دانم شما تحت عنوان «هواداری از کمونیسم» چه می‌فهمید. من اینطور بیان می‌کنم: در طی جنگ من به شدت از روسیه (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - توفان) هواداری می‌کردم، زیرا معتقد بودم که آنها جبهه را حفظ می‌کنند و من این امر را فراموش نمی‌کنم و بر این نظرم که من مدیون روسیه (بخوانید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - توفان) هستم. من معتقدم که وی با کمک اساسی خود در جنگیدن و جان‌باختن پیروزی متفقین را میسر ساخت. به این مفهوم من یک هوادارم.»

امپریالیسم امریکا در همان آغاز تشکیل کمیسیون تدوین طرح اعلامیه جهانی حقوق بشر با نقض آشکار ارزش‌های آن درک خود را نسبت به این حقوق به جهانیان عرضه داشت و این سیاست تا به امروز ماهیتاً تفاوتی نکرده است و فقط اشکال خود را تغییر داده است، عوامفریبانه‌تر عمل می‌کند و وای به حال آن «چپ» سرخورده‌ای که به این یاوه‌های امپریالیستی دل به‌بندد و از تجربه روزگار نیاموزد

برگرفته از کانال تلگرام توفان



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

دادند. جنبش آنچنان قدرتمند شد، که حتی بعضی از احزاب وابسته به قدرت و یا متحد بورژوازی کلان، «اتحاد ملی» نیروهای هم نظر حزب رویونیستی سودان با شعار «بازگشت به دموکراسی» (!) خود را به جنبش چسبانند.

دوم، در طول سه دهه گذشته، مبارزات مردم سودان با اُفت و خیز ولی بدون وقفه ادامه یافته است، تا آنکه در دسامبر ۲۰۱۸ اوج گرفت. دولت عمرالبشیر برای مهار جنبش اعتراضی دست به مانورهای گوناگونی زد. دولت اعلام نمود که یارانه نان را مجدداً پرداخت می‌کند، ولی این حُقه کارساز نشد! در پس آن دولت دست به یک سلسله از اقدامات کنترل‌کننده زد. در ماه فوریه دولت «وضعیت اضطراری» به مدت یک سال اعلام نمود؛ هر نوع تظاهرات و اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد؛ عمرالبشیر کابینه خود را مُنحل ساخت و استانداران ۱۸ استان خود را برکنار نمود و افسران ارتش و عوامل امنیتی را جایگزین آنها کرد. هیچکدام از این اقدامات نتوانست اعتراضات مردم علیه بیکاری، تورم سرسام‌آور، فقر، توزیع ارز خارجی را به عقب براند. همزمان با این اقدامات، عمرالبشیر دست به سرکوب عریان و خشن زد و مطالبات مردم را با گلوله، سرکوب بیشتر، دستگیری رهبران اتحادیه‌های کارگری و رهبران جنبش و خبرنگاران و فعالین سیاسی پاسخ داد. قتل سه دانشجوی پزشکی در زیر شکنجه در بازداشت پلیس روان عمومی جامعه را به شدت آزرده تیراندازی به مردمی که به دیدار مادر پزشکی که در حین معالجه زخمی‌های تظاهرات توسط گلوله پاسداران مرتجع عمرالبشیر جان باخته بود، رفته بودند، آتش خشم مردم را شعله‌ور ساخت. عمرالبشیر خود را از رهبری حزب حاکم «حزب کنگره ملی» کنار گذاشت و آنرا به یکی از چاکران خود، که دم از «دیالوگ ملی» می‌زد، سپرد، ولی این حُقه هم دردی را برای البشیر درمان نهنمود. مبارزات توده‌ای رشد یافت، جنبش‌های اعتراضی به هم تنیده شدند، همبستگی و همیاری عمومی با سرعت باد به واقعیت پیوست و مردم سودان توان یافتند که در پس مبارزات طولانی و سخت و رنج‌آور و با خودگذشتگی فراوان، عمرالبشیر را پس از سه دهه استبداد از اریکه قدرت به زیر بکشند.

نیروهای مترقی، «جامعه متخصصان» و «اتحادیه‌های کارگری» در بسیج و تشکل دادن به مردم، در تعمیق مطالبات و هدایت مبارزه نقش عمده‌ای ایفاء کردند، به نحوی که سرکردگان ارتش را به هراس انداخت و آنها را سراسیمه به کاخ البشیر روان داشت. ژنرال‌ها برای جلوگیری از رشد، گسترش، تعمیق مبارزات و از دست‌ندادن کنترل از بالا، عمرالبشیر را دستگیر و روانه زندان (!) کردند. کودتای کنونی ارتش سودان شباهت به کودتا جنبش اعتراضی مردم سودان در سال ۱۹۸۵ دارد، که جعفر نمیری را از کار برکنار ساخت و سرانجام عمرالبشیر را به اریکه قدرت رسانید. ارتش در این جنبه‌ها برای به اصطلاح «دوره انتقالی به دموکراسی چند حزبی» مداخله نمود. در کودتای

اخیر، ابتدا وزیر دفاع عمرالبشیر رهبری را در دست گرفت، ولی نقش جنایت‌کارانه او در کشتار و سرکوب مردم مناطق مختلف سودان به سرعت توسط مردم و جنبش اعتراضی افشاء شد و او را مجبور به استعفا کرد و جای خود را به ژنرال برهان داد. «شورای انتقالی نظامی» اعلام کرده است که شماری از اعضای دولت عمرالبشیر دستگیر شده‌اند. تشکل‌های مترقی و انقلابی در سودان دست رد به کودتا زدند و از مردم خواسته‌اند که به مبارزات خود ادامه دهند. برکناری ارتشیان و انتقال قدرت به نیروهای غیرنظامی یکی از خواسته‌هایی است که جنبش بر آن اصرار دارد و برای آن دست به یک سلسله اقدامات عملی زده است. فریاد «انقلاب‌مان را با خون‌مان حفاظت می‌کنیم»، در سراسر کشور به گوش می‌رسد. این بیانگر وجود وضعیت انقلابی در کشور برای ایجاد تغییر و کسب آزادی و برقراری عدالت است که باید بر ویرانه‌های رژیم عمرالبشیر و نظامیان حاکم بنا شوند. مردم سودان مصمم هستند مبارزات انقلابی خود را برای نفی نظام کودتا، که هدف‌اش نجات سیستم حاکم بیمار و غرق در فساد موجود است، ادامه دهند. طیف وسیعی از جامعه خواستار انقلاب و تعمیق آن در چهار گوشه کشور است.

سوم، اکثر معادن نفتی سودان در مناطق جنوبی آن کشور قرار دارند، ولی پالایشگاه‌ها و دیگر تأسیسات پیشرفته نفتی در شمال سودان مستقر شده‌اند. جنوب سودان تاریحاً عقب‌نگه داشته شده است. کمپانی‌های نفتی بین‌المللی چشم بر جنوب دوخته‌اند و شرایط عینی مناقشات شمال و جنوب را به کار گرفته‌اند و طی مدت ۷ سال از «قرارداد صلح همه‌جانبه» در سال ۲۰۰۴ تا فراندم جدائی در ۲۰۱۱، کشور را به تجزیه کشانیدند. آمریکا و اتحادیه اروپا بوق مخالفت علیه عمرالبشیر دمیدند و فشارهای اقتصادی سنگینی بر کشور تحمیل کردند. آمریکا و اتحادیه اروپا از اعلام جرم «دادگاه بین‌المللی جزائی» علیه عمرالبشیر به دلیل ارتکاب جنایت جنگی در «دارفور» دفاع کردند. سودان، که در سال ۱۹۹۰ در جنگ اول خلیج فارس از عراق حمایت کرد، در سال ۱۹۹۳ توسط آمریکا در لیست کشورهای تروریستی قرار گرفت. آمریکا در سال ۱۹۹۶ سفارت خود در خارطوم را تعطیل کرد، در سال ۱۹۹۷ تحریم‌های همه‌جانبه بر علیه سودان اعمال نمود، در سال ۱۹۹۸ شرکت داروئی سودان را بمباران و نابود ساخت. جرج بوش (پسر) تحریم‌های جدیدی را در سال ۲۰۰۷ علیه سودان وضع کرد. هرچند تحریم‌ها علیه سودان در سال ۲۰۱۷ تقلیل یافتند، ولی به خاطر مشکلات معاملات ارزی، عدم اطمینان از معاملات بازرگانی، کمبود لوازم یدکی در بخش‌های صنعت و حمل و نقل هوائی و ... اقتصاد سودان از حالت خفگی بیرون نیامد. به دلیل تحریم‌ها و در قرارداد سودان در لیست کشورهای تروریست، بانک‌های این کشور نتوانستند حتی یک حساب بانکی به دلار در خارج از کشور باز کنند.

به دنبال تجزیه طراحی شده توسط آمریکا، که در سال ۲۰۱۱

سکوت غرب در مورد علل هرج و مرج در لیبی

چند نکته پیرامون جنگ داخلی لیبی

حزب ما بارها تحلیل کرده است که سرنگونی رژیم مستقل لیبی و قتل معمر قذافی توسط امپریالیست‌ها و مزدورانش پایان جنگ داخلی و مقاومت ملت لیبی علیه استعمار و دزدان و غارت‌گران بین‌المللی نیست، همانطور که در عراق و افغانستان نبوده است. آنها که بمباران ناتو و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را محکوم نه کرده‌اند و بر تجاوز به لیبی و سرنگونی معمر قذافی مهر تأیید کوبیدند، همان نیروهائی هستند که شرمگینانه خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و به دارآویختن سران جمهوری اسلامی توسط امپریالیسم آمریکا و پیمان ناتو در ایران هستند. اینان امید خود به مردم را از دست داده و به ریسمان استعمار آویزان شده‌اند. عده‌ای از این طیف، که در هیئت چپ ظاهر شده‌اند، نیز هم‌صدا با نیروهای امپریالیستی از «انقلاب و انقلابیون» لیبی سخن گفته و در مقابل کارگردانان اصلی این «انقلاب»، کشورهای معظم امپریالیستی و بازوی مسلح آنها، ناتو، سکوت کرده‌اند. در ادبیات سیاسی این جریان‌ات لیبرال مسلک و اپورتونیست سخنی از امپریالیسم و استعمار و رقابت‌های امپریالیستی بر سر تقسیم مجدد جهان و غارت منابع طبیعی نمی‌رود و در کنار راست‌ترین محافل ارتجاعی در چشم مردم خاک می‌پاشند. اینان همان کسانی هستند که دریافت کمک مالی از امپریالیست‌ها را محکوم نکرده و نمی‌کنند و به نیروی خود متکی نیستند. مطلب کوتاه زیر ترجمه مقاله‌ای از ارگان مرکزی حزب کمونیست سوئد، «پرولتر» شماره ۱۶ آوریل ۲۰۱۹ است که به صورت موجز به ۹ نکته در مورد علل جنگ داخلی و ناآرامی‌های اخیر در لیبی پرداخته و دول امپریالیستی غرب به سرکردگی آمریکا را به عنوان مسبب اصلی این اوضاع محکوم کرده است. در این مقاله چنین می‌خوانیم:

«یکم اینک جنگی که در طرابلس، که در آوریل ۲۰۱۹ شدت یافته است، نتیجه و حاصل تجاوز پیمان نظامی ناتو به این کشور در هشت سال پیش است. در اثر این تجاوز هزاران نفر کشته شدند، زیرساخت‌های کشور به کلی ویران گشته و قدرت دولتی و ساختار جامعه به کلی نابود شدند. کشورهای عضو پیمان ناتو و دیکتاتورهای پادشاهی خلیج فارس و دولت سوئد، کشور لیبی را بمباران و معمر قذافی، رهبر مستقل لیبی را به صورت جنایتکارانه‌ای از مسند قدرت به زیر کشیدند. فاجعه‌ای که در لیبی توسط مداخله نظامی کشورهای ناتو رخ داده است، هرگز در رسانه‌های خبری منعکس نه شده است.»

بخش جنوبی سودان جدا شد، سودان نزدیک به ۸۰٪ درآمد نفتی خود را از دست داد، حتی نفت و بتزین در بازارهای سیاه کشور خرید و فروش می‌شد. وضعیت اقتصادی کشور آنچنان رو به وخامت نهاد که درآمد روزانه اکثریت جمعیت ۴۰ میلیونی سودان کمتر از یک دلار تقلیل یافت و برای مردم برداشت پول از حساب‌های بانکی خود، حتی برای هزینه‌های روزمره محدود شد. عمرالبشیر به مصر و قطر سفر کرد و از آنها تقاضای کمک عملی نمود، از ابوظبی و نهادهای مالی بین‌المللی تقاضای وام کرد، با سودان جنوبی بر سر صادرات نفت به بازارهای بین‌المللی از طریق سودان قرارداد بست. تحریم‌ها، تجزیه کشور و عدم توانائی دولت در مقابله با آنها، سودان را در سال ۲۰۱۸ تبدیل ساخت به کشوری ورشکسته.

باید گفته شود که سرنگونی رژیم در سودان و به قدرت رسیدن توده‌ها با منافع آمریکا و اتحادیه اروپا همخوانی ندارد و با آن در تضاد است. آنها نگران «بی‌ثباتی» کشور در شاخ آفریقا و همسایه‌گی دریای سرخ و ورود به کانال سوئز، که بخش اعظم نفت منطقه از آن عبور می‌کند، نیستند، بلکه بیشتر نگران رشد جنبش‌های اعتراضی در کشورهای همسایه و بی‌ثباتی و تهدید منافع استراتژیک خودشان هستند.

حزب کار ایران (توفان) از جنبش انقلابی سودان و دست‌آوردهایش دفاع می‌کند و به مردم و نیروهای انقلابی سودان و کشورهای همسایه آن تبریک می‌گوید. عمرالبشیر و دولت وی باید در یک دادگاه علنی و عمومی، توسط مردم سودان، به محاکمه کشیده شوند و تمامی روابط آنها با ارتجاع داخلی و خارجی برای مردم سودان و کشورهای شمال آفریقا و جهان آشکار شود. ما به خانواده و دوستان جان‌باختگان سودانی درود می‌فرستیم و مقاومت آنها را در مقابل رژیم استبدادی و مرتجع عمرالبشیر می‌ستاییم. حزب ما جنبش مردم سودان را گرمی می‌دارد و به رهبری سیاسی و پیشرو و مبارز آن درود می‌فرستد. ما ایقان داریم که اراده انقلابی مردم سودان با درهم شکستن تمام دستگاه فاسد و بروکراتیک و ارتجاعی سرنوشت خود را به دست خواهد گرفت و به پیشروی‌اش ادامه خواهد داد. جنبش انقلابی و سکولار سودان گام‌های اولیه و ضروری را برای کسب آزادی و عدالت، برای بریدن دست غارت‌گران داخلی و خارجی از ثروت کشور، برای استقلال و برای رویدن ارتجاع اخوان‌المسلمین از کشور برداشته است و مصمم است که آنرا به یک انقلاب توده‌ای گسترده تعمیق و بسط دهد. انقلاب سودان سرانجام تحت رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی می‌تواند پیروزی قطعی بر ارتجاع و امپریالیسم را تضمین نماید.

زنده باد جنبش انقلابی سودان!
زنده باد مردم سودان! •

شقایق‌های سرخ تپه‌های اوین

فدائیان خلق: بیژن جزینی، حسن فیاض‌طریقی، عباس سورکی، مشعوف (سعيد) کلانتری، عزیز سرمدی، محمد چوپانزاده، احمد جلیل افشار
مجاهدین خلق: کاظم ذوالانوار، مصطفی جوان خوشدل



از تاریخ بیاموزیم!

محمد رضا شاه خائن به خاطر حفظ نظام سلطنتی، مانند خمینی جلاد، که فرمان قتل عام زندانیان سیاسی را در تابستان و شهریور ۶۷ بنابر «مصلحت نظام» صادر کرد، گفت:

چاره‌ای جز کشتن بیژن جزینی و ۸ زندانی سیاسی دیگر در زندان اوین نداشتیم.

... «در کارهای امروز چند گزارش بود که همه را به عرض مبارک رساندم و عرض کردم بی‌جهت این وجهه عالی در بین مردم و دنیا با ندانم کاری‌ها [کشتن ۷ نفر از فدائیان خلق به نام‌های جلیل افشار، محمد چوپان زاده، بیژن جزینی، عزیز سرمدی، عباس سورکی، حسین ضیاء طریقی، مشعوف کلانتری و ۲ تن از مجاهدین خلق به نام‌های کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل در تپه‌های زندان اوین] لکه‌دار می‌شود. فرمودند، چاره نبود، همه خرابکار بودند و فرار می‌کردند، آن بدتر بود» (خاطرات علم، جلد پنجم، ص ۶۹، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۴)

فلسفه رژیم شاه در برخورد با این ۸ زندانی سیاسی هیچ تفاوتی با فلسفه قتل عام زندانیان سیاسی در بند، در سال ۶۷ نداشت، تفاوت فقط در تعداد زندانیان سیاسی بود که بعد از انقلاب به خاطر رشد جنبش انقلابی بسیار گسترده بود. اگر رژیم شاه در شرایط تاریخی سال‌های ۶۰ قرار می‌گرفت، با توجه به سابقه تاریخی جنایت و کشتار بی‌رحمانه مردم، از جمله کشتار بیست هزار نفر از هموطنان آذری ما در جریان لشکرکشی خائنانه ۲۱ آذر و بعد از آن سرکوب و تیرباران اپوزیسیون ملی و مترقی بویژه افسران کمونیست میهن‌دوست و ملیون، سرکوب خونین مخالفین ۱۵ خرداد ۴۲ و سپس سرکوب انقلابیون جان بر کف فدائی سیاهکل و همه نیروهای انقلابی و چپ و سرانجام کشتار مردم بی‌دفاع در طول ۱۱ ماه اعتراضات خیابانی در آستانه انقلاب بهمن، برای حفظ بقای منقرض دست به همین جنایات می‌زد که خمینی زد. مطمئن هستیم که در شرایط عروج مجدد کسب قدرت توسط سلطنت‌طلبان و با فرمان همین رضا نیم پهلوی و لگردد و مفت‌خور و پاسداران اوباشی نظیر فرشتگردهای شعبان بی‌مخ، لات و چماق‌دار کمتر از نیروهای بسیج و سپاه حزب‌الله و حاج داودها و لاجوردی‌ها نخواهند کشت. به دروغ‌های گولبزی و حقوق بشری این مزدوران برای آینده موهومی گل و بلبل ایران نباید باور داشت.

یاد جانباختگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی گرامی باد!
از کانال تلگرام توفان•

دوم اینکه ناتو و کشورهای خلیج فارس در جنگ ۲۰۱۱ طیف گسترده‌ای از مخالفین قذافی، جهادست‌ها و القاعده در افغانستان تا اخوان المسلمین و شاخه ارتش سکولار لیبی و یکی از شهروندان آمریکایی به نام «خلیفه حفتر» را سازمان دادند و به لیبی فرستادند. اما به محض سقوط و قتل قذافی وحدت و یگانگی آنها نیز از هم پاشید!

سوم اینکه کشور لیبی در سال ۲۰۱۱ دارای بالاترین سطح زندگی در آفریقا بود، اما امروز در شرایط هرج و مرج و گسیختگی مطلق بسر می‌برد.

چهارم اینکه در یک طرف جنگ در طرابلس در غرب لیبی، دولت مرکزی تحت حمایت سازمان ملل و تحت فرماندهی نخست وزیر فایس ال-سراج قرار دارد. این دولت در سال ۲۰۱۶ با حمایت مستقیم آمریکا، انگلستان، فرانسه و چندین کشور دیگر تأسیس و مستقر شد.

پنجم اینکه در جبهه دیگر خلیفه حفتر، که با پایگاهی در شرق لیبی مستقر است، در طی بیست سال در آمریکا با سازمان جاسوسی سیا آمریکا برای براندازی و سرنگونی رژیم قذافی همکاری داشته است.

ششم اینکه جنگ در طرابلس به آن معنا نیست که فقط نیروهای اسلامی و سکولار در مقابل هم نقش‌آفرینی کرده. ماموریت خلیفه حفتر که سکولار نیز می‌باشد، با فدائیان سلفی، که قوانین شریعت را در مناطق خود به اجرا گذاشته و مورد حمایت عربستان نیز می‌باشد، عهد و پیمان بسته است. این جنگ در حقیقت برای بدست گرفتن قدرت، کنترل منابع و درآمد های نفتی است.

هفتم اینکه مداخله خارجی هرچه بیشتر این قضیه را پیچیده‌تر کرده است. برخی از کشورها، که متحد و هم پیمان نیز می‌باشند، اینجا در جبهه‌های مختلفی سنگر گرفته‌اند. یک توضیح ساده این می‌باشد که آمریکا، انگلستان، ایتالیا، ترکیه و قطر یک دولت واحد در طرابلس را ترجیح می‌دهند، در حالیکه مصر، فرانسه، عربستان و روسیه از خلیفه حفتر حمایت می‌کنند.

هشتم اینکه واقعیت امر پیچیده‌تر از اینها است. خیلی‌ها بر این نظر هستند که آمریکا علی‌رغم دفاع از دولت مرکزی نقاط روشن و مثبتی را نیز در رابطه با خلیفه حفتر می‌بیند. یک کارمند سازمان سیا در قدرت شاید بتواند نفوذ ایالات متحده آمریکا را در این کشور نفت خیز تقویت و تأمین نماید. در بسیاری از موارد روسیه از منافع حفتر دفاع نموده است. در ماه دسامبر وزیر خارجه روسیه اعلام نمود که پسر قذافی باید یک نقش کلیدی را در امور سیاسی لیبی ایفا نماید.

نهم اگر جنگ در طرابلس تعادل قدرت را تغییر دهد، و یا اگر عمده‌تأ باعث کشتار و تخریب بیشتر شود، باید دید که چگونه باید شرایط جدید را تحلیل کرد، صرف‌نظر از اینکه تحلیل شرایط جدید بسیار پیچیده و مشکل خواهد بود.

پیامدهای این جنگ فرسایشی نتیجه‌ای بجز فقر و بدبختی برای مردم لیبی به بار نخواهد آورد. •

سایت ویکی لیکس در واکنش به بازداشت آسانژ توییت کرد و نوشت:

«این مرد یک پسر، یک پدر و یک برادر است. او ده‌ها جایزه روزنامه‌نگاری گرفته است. از سال ۲۰۱۰ هر سال نامزد دریافت جایزه صلح نوبل بوده است. بازیگران قدرتمندی از جمله سازمان سیا در یک تلاش ماهرانه می‌خواهند هویت انسانی و حقوق قانونی او را به گیرند و به زندان باندازند.»

شایان توجه است که آسانژ بارها اتهامات وارد شده به خود را رد کرده و آن را صرفاً یک واکنش سیاسی به افشاگری‌های سایت ویکی‌لیکس بیان کرده است، چرا که طبق مصوبه سازمان ملل متحد به سبب افشاگری نمی‌تواند تحت تعقیب قرار گیرد. نگرانی آسانژ بیش از هر چیز مسئله استردادش به آمریکا است.

حزب ما بازداشت ضدانسانی جولیان آسانژ را به شدت محکوم می‌کند و دولت‌های بریتانیا، اکوادور و آمریکا را مسئول مستقیم قتل احتمالی او می‌داند.

حزب کار ایران (توفان)

پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۸

<https://t.me/totoufan>

برگرفته از کانال تلگرام توفان •

«جولیان آسانژ» به اسارت «ترامپ» و «ترزا می» درآمد

«رافائل کورآ»، رئیس‌جمهور پیشین اکوادور، اقدام جانشین خود «لنین مورنو» را برای تحویل دادن ژولیان آسانژ، پایه‌گذار ویکی‌لیکس را «جنایت» نامید. جنایتی که بشریت هرگز فراموش نخواهد کرد. رافائل کورآ روز پنجشنبه در توییت نوشت: «مورنو» فقط فاسد نیست، او بزرگ‌ترین خائن در تاریخ اکوادور و آمریکا لاتین است.»

مورنو در مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۷ قول داد «انقلاب شهروندی» را که «کورآ» مبتکر آن بود، ادامه دهد. ولی وقتی انتخاب شد، با شتابی تمام آنرا به کنار نهاد. رافائل کورآ گفت: «او امروز به ماتحت امپرتوری سقوط کرده و مجری بی‌قید و شرط اوامر واشنگتن است. امروز اکوادور بخشی از جبهه دشمنان ونزوئلا و دیگر دولت‌های پیشرو امریکای لاتین و زمین‌بازی کنسرن‌های



جولیان آسانژ، افشاگر فساد و مداخلات تبهکارانه و تروریست دولتی آمریکا بازداشت شد

جولیان آسانژ در اثر افشاگری‌های سیاست‌های تروریستی و تبهکارانه آمریکا، به ویژه در عراق و افغانستان و تحت تعقیب قرار گرفتن توسط سازمان جاسوسی این کشور در سال ۲۰۱۲ به سفارت اکوادور پناه برد. در آن زمان او به دروغ و با پرونده‌سازی‌های جعلی به «آزار جنسی» به دو زن در سوئد متهم شده بود و دولت سوئد نیز ریاکارانه از بریتانیا درخواست کرده بود که آسانژ را بازداشت نماید و به سوئد استرداد کند.

آسانژ، امروز پنج‌شنبه ۲۲ فروردین، از سوی پلیس بریتانیا، که به سفارت اکوادور دعوت شده بود، بازداشت شد.

پلیس بریتانیا در بیانیه خود در همین ارتباط نوشت: «ژولیان آسانژ، ۴۷ ساله، پنج‌شنبه ۱۱ آوریل از سوی مأموران سرویس پلیس کلان‌شهر لندن در سفارت اکوادور دستگیر شد.»

پلیس همچنین اعلام کرد که پس از لغو پناهندگی آسانژ از سوی دولت اکوادور، نیروهای پلیس از سوی سفیر به سفارت این کشور دعوت شده‌اند.



چرا اینهمه سکوت؟

دست عربستان از یمن کوتاه باد!

بمباران یمن همچنان ادامه دارد. در حالی که «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا، مصوبه کنگره را وتو کرده و خواستار تدوام حمایت از ائتلاف سعودی در جنگ یمن است. سازمان ملل متحد در مورد وضعیت کودکان در یمن هشدار داد که هزاران نفر در جنگ ائتلاف عربستان سعودی و امارات علیه یمن کشته شده یا مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. «ویرجینیا گامبا»، نماینده ویژه سازمان ملل در امور کودکان، در سخنانی اظهار داشت که بیش از ۷۵۰۰ کودک در جنگ یمن کشته شده‌اند و بیش از ۸۰۰ مورد نیز «عدم دسترسی به کودکان» ثبت شده است.

گامبا گفت که این داده‌ها از آوریل (فروردین) ۲۰۱۳ تا پایان سال ۲۰۱۸ جمع‌آوری و در آن هشدار داده شده است که به خاطر مشکل در دریافت اطلاعات بسیاری از تعرض‌های جنسی به کودکان یمنی ثبت نشده‌اند. پیش از این سازمان ملل اعلام کرده بود که حدود ۸۵ هزار کودک زیر پنج ساله یمنی از سال ۲۰۱۵ تاکنون به خاطر گرسنگی جان باخته‌اند. گفته می‌شود که ۱۴ میلیون نفر یمنی نیز در خطر قحطی قرار دارند. عربستان سعودی با سلاح آمریکایی، فرانسوی و آلمانی و بمباران وحشیانه تمام شهر و روستای این کشور کوچک را ویران ساخته و هزاران کودک بیگناه را به قتل رسانده است. این بمباران‌ها همچنان ادامه دارد و صدائی از سینه‌چاکان حقوق بشر خواهان «غرب متمدن» بر نمی‌خیزد! نفت و دلار عربستان چه‌ها که نمی‌کند!

درباره این سکوت و خاموشی در قبال قتل عام کودکان یمنی، بویژه در ممالک غربی، که مدعی دفاع از حقوق بشرند، باید از اسارت وجدان در جامعه سرمایه‌داری بیشتر اندیشید. حقوق بشر از منظر امپریالیسم کالای مصرفی برای تحمیق توده مردم است و بس! •

بزرگ، زد و بندچی‌های فاسد و سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده است».

با این همه، اظهارات کورا رئیس جمهور پیشین اکوادور درباره رویداد روز پنجشنبه در سفارت این کشور در لندن، به‌رغم مبالغه‌های تند و تیزش یک تحلیل سیاسی و منطقی نیست. ولی خشم این سیاستمدار، که به عنوان رئیس جمهور کشور خود به آسانژ، که تحت تعقیب ایالات متحده بود، پناه داد، بجا و بر حق و در آنچه که مربوط به پیشینه قانونی و سیاسی پرونده می‌شود، از زمان پناهندگی آسانژ در سفارت اکوادور در سال ۲۰۱۲ تاکنون تغییرات مهمی رخ نداده است.

امروز هم چون سال ۲۰۱۲ آسانژ، روزنامه نگار و فعال اینترنتی را این خطر تهدید می‌کند که به آمریکا تحویل داده شود. واشنگتن می‌خواهد با آسانژ، که به عنوان مغز متفکر ویکیلیکس شناخته می‌شود، بویژه به این دلیل که او جنایات جنگی نظامیان آمریکا در عراق را برملا کرد، کاری کند که درس عبرتی شود برای دیگران.

این قاتلان و شکنجه‌گران نیستند که باید تحت تعقیب قرار گیرند، بلکه آنها که قتل عام‌ها را افشاء کرده‌اند باید مجازات شوند. از هفته‌ها پیش «جلسه منینگ»، که با نام برادلی منینگ فیلم‌هایی از کشتار غیرنظامیان عراقی بدست سربازان آمریکائی را در اختیار پلانتفرم افشاگر ویکیلیکس قرارداد، دوباره به زندان افتاده است. چرا؟ چون حاضر نیست علیه ویکیلیکس سخن بگوید.

مونرو در توجیه خیانتی که کرده است، گفت دولت انگلیس تضمین کرده که آسانژ را به کشوری نفرستد که خطر اعدام او را تهدید کند. این عذری است سخیف و اسفبار. نه تنها به این دلیل، که او با تسلیم آسانژ به آمریکا به وضوح قانون اکوادور را نقض کرده، که تسلیم کردن تبعه خود را به کشوری دیگر ممنوع ساخته است - آسانژ شهروند اکوادور شده بود.

بریتانیای کبیر در زمان نخست وزیر تونی بلر، خود در جنگ عراق و در اشغال آن شرکت مستقیم داشت - ولی نه او و نه ژنرال‌های او هیچ‌گاه مورد بازخواست قرار نگرفتند. با چنین سوابقی لندن عمیقاً ذی‌علاقه است که خود را از شر این شاهد مزاحم رهائی بخشد. فقط کافیس آمریکا تضمین کند که آسانژ را اعدام نخواهد کرد - یونگه ولت - ترجمه رضا نافع



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: من که گروهی یا کسی را نمی‌بینم که بتواند رژیم را سرنگون کند. این کشور باید با یک نظام امنیتی میلیتاریستی اداره بشه. کی و کدام گروه بتونه حداقل ۵۰ درصد از مردم را دور خودش جمع کنه؟ ملت به ناجی و یکنفر احتیاج داره بدون ناجی نمی‌شود.

پاسخ: به دو موضوع باید توجه کرد:

یکم: چه سیاستی باید تبلیغ گردد که در راستای منافع اکثریت عظیم مردم ایران باشد.

دوم: با چه وسیله و ابزاری می‌خواهیم به هدفمان برسیم.

مردم ایران، همانطور که در صدسال اخیر و در انقلابات و قیام‌های معاصر نشان دادند، به دنبال آزادی، استقلال، جمهوری و عدالت اجتماعی بوده و هستند. دلیل شکست‌های انقلابات و قیام‌های ملی ناشی از مداخلات خارجی و همدستی با ارتجاع داخلی و ضعف و فقدان تشکیلات سیاسی بوده است. پس همه ایرانیان میهن‌دوست و آزاده باید بر خواسته‌های تاریخی فوق و برچیدن نظام حاکم بر ایران، که سد تکامل جامعه ما است، متحد شوند و در مقابل دشمنان خارجی، که قصد مداخله و منحرف کردن مسیر مبارزه مردم را دارند، به ایستند. در همین چارچوب و از همین امروز و در همین لحظه ما و شما و دیگران می‌توانند متحد شوند و رو به جلو حرکت کنند! نباید منتظر کسی باشیم، باید با اتکاء به نیروی خود حرکت کنیم! تشکیلات یعنی برنامه و فعالیت هدفمند و همکاری و صمیمیت و بدون چنین ابزاری هیچ جنبش دموکراتیک و آزادی‌خواهانه‌ای به پیروزی نهایی نمی‌رسد.

پرسش: به نظرم دفاع از زندانیان سیاسی که وابستگی به گروه‌های

بهایبی و یهودی دارند، امثال نسرین ستوده‌ها نادرست است و در شأن شخصیت حزب شما نیست که مقالاتی در دفاع از این سازشکاران، که مورد حمایت امپریالیسم و صهیونیسم هستند، انتشار دهد.

پاسخ: اجازه به‌دهید مشخص صحبت کنیم.

اول اینکه باید همه اعمال و بیان نظرات سازمان‌ها و افراد و شخصیت‌ها را در کادر سیاسی و منافع طبقاتی ارزیابی کنیم و نه براساس دین و مذهب؛ فرقی نمی‌کند کدام مذهب، زیرا همه مذاهب صرف‌نظر از قدمت و کثرت آنها چیزی جز بیان جهل و خرافات نیستند. جهان کنونی جهان سرمایه‌داری امپریالیستی و بر اساس سلطه سرمایه مالی می‌چرخد و نه براساس دین یهود یا بهائی و مسیحیت.

دوم اینکه در برخورد به اپوزیسیون ارتجاعی، حتاً عوامل امپریالیسم، حتاً عناصر رژیم‌های شاه و شیخ و رفرمیست‌ها و جریان‌ات بورژوازی رنگارنگ، که در زندان گرفتاراند، حقوق‌شان را باید برسمیت بشناسیم، در غیر اینصورت به خودسری‌ها و پایمال کردن حقوق اولیه همه شهروندان، بویژه رادیکال‌ترین نیروهای ترقی‌خواه اجتماعی توسط جمهوری اسلامی میدان خواهیم داد. روشن است این امر به معنای تأیید اندیشه و عملکرد سیاسی زندانیان سیاسی نیست.

سوم اینکه، درس‌آموزی از شرایط مشخص تاریخی انقلاب بهمن و اشتباهات بسیاری از جریان‌ات و شخصیت‌های سیاسی آن زمان و پرهیز از حقوق دموکراتیک بورژوازی در بعد از انقلاب بهمن و بی‌تفاوتی نسبت به حقوق مسئولین سیاسی، اقتصادی و نظامی رژیم سرنگون شده پهلوی و تأیید شکنجه و اعدام مخفیانه و با شتابی سوءظن‌برانگیز، بدون رعایت اصول برسمیت شناخته شده قضائی و انسانی کنوانسیون ژنو و حقوق بشر عملاً زمینه‌ساز برخورد و اعمال وحشیانه‌تری نسبت به نیروهای انقلابی، چپ، ملی و دموکرات گردید. باید از این اشتباهات درس بگیریم.

بعز یک حزب سیاسی (حزب کار ایران (توفان)) و یکی دو



پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: آیا یکشنبه یا یکروزه و در مقطع کوتاهی ممکن بود چنین تغییر بزرگی به وجود آید و شوروی سرمایه‌داری شود؟ چگونه خروشچف یکشنبه به قدرت رسید؟

پاسخ: آری ما نیز قبول داریم که خروشچف یکباره به وجود نیامد و رویزیونیسم نیز یکشنبه حاکم نشد. پروسه تبدیل حزب کمونیست شوروی به حزب رویزیونیستی شوروی با مرگ استالین (۱۹۵۳) آغاز شد و در کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی (۱۹۶۲) به مشی مسلط حزب تبدیل گردید و در این مدت نیز عده زیادی از رهبران حزبی از کمیته مرکزی تا کادرهای ورزیده و مسئولیت‌دار حزبی نیز برکنار شدند. مطابق آمار موجود، در کنگره بیستم (۱۹۵۶) و کنگره ۲۲، ۷۰ درصد اعضای کمیته مرکزی منتخب آخرین کنگره زمان حیات استالین (۱۹۵۲) از حزب اخراج یا کشته شدند و همین طور نصف اعضای کمیته مرکزی، که در ۱۹۵۶ در کنگره بیستم انتخاب شدند، در کنگره ۲۲ برکنار شدند. ۴۵ درصد اعضای کمیته مرکزی جمهورهای متفق و کمیته‌های حزبی ناحیه‌های مرزی و ایالتی و ۴۰ درصد اعضای کمیته‌های حزبی شهری و ناحیه‌ای تغییر یافتند. گروه خروشچف - سوشلف - میکویان - برژنف و با کودتائی در دفتر سیاسی، مولوتف - کائوچیچ - مالنکف - وروشیلوف - بولگانین - بروخین - سابوروف - شپیلف - و دیگرانی را که مخالف کنگره ۲۰ بودند، در سال ۱۹۵۷ از هیئت رئیسه حزب برکنار کردند. آیا این همه تغییرات در طول زمان ۹ سال کافی نبود، تا کمر حزب بلشویکی را شکانده و آن را به منجلاب رویزیونیسم بکشاند؟! و آیا اصولاً در این قبیل موارد طول زمان ملاک قضاوت است یا ماهیت تئوریهائی که حزب از آن دفاع می‌کند؟! اگر ماهیت تئوری، ملاک سنجش است و اگر به‌پذیریم که

گروه تازه تأسیس شده و جبهه دمکراتیک ملی و تعدادی از شخصیت‌های مستقل سیاسی کسی به این روش جنایت کارانه در بیانیه‌های خود، اعتراض روشنی نکرد، زیرا می‌ترسیدند مهربانی و یهودی و سلطنت و امپریالیسم بخورند. درست این بود که این زندانیان در دادگاهی صالحه، با حضور و کلاهی مدافع به صورت علنی و با حضور خبرنگاران و شرکت رسانه‌های عمومی محاکمه شوند و هر حکمی بر مبنای اصول و ضوابطی صورت گیرد. احکام خودسرانه و بدون منطق و انتقام‌جویانه، سنتی را در عرصه قضائی بجای می‌گذارد که به وسیله آن راحت‌تر می‌شود در درجه اول کمونیست‌ها را سربرید. اگر جرم محاربه با خدا و مفسد فی الارض ارزش حقوقی داشته باشد و صدور احکام اعدام را مجاز به‌دارد، وای به روز کمونیست‌ها، که هم کتب‌شان ضاله است و هم از نظر فلسفی به تقدم ماده بر شعور ایمان دارند و هستی جهان را محصول دست خالق بنام خدا نمی‌شناسند. کمونیست‌ها در واقع، قبل از محاکمه به جرم خویش، اعتراف کرده‌اند و همه آنها مستوجب اعدام هستند. همه آنها محارب با خدا و مفسد فی الارض‌اند. برای ما آن روز روشن بود که بیان جرم به این صورت، آنهائی را مورد نظر قرار نمی‌دهد که بر صندلی اتهام نشسته‌اند، بلکه ما را مورد نظر دارد که فعلاً در بیرون دادگاه ایستاده‌ایم و صندلی‌ها زیر پایمان است. آخوندها داشتند در این دادگاه چاقوهای خویش را برای بریدن سر کمونیست‌ها تیز می‌کردند.

چهارم اینکه، هر عملکرد و اتخاذ موضع سیاسی ارتجاعی می‌تواند به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تمام شود، لیکن این عملکرد سیاسی یا این اقدام و یا آن اقدام انحرافی هنوز به درجه‌ای از تکامل نرسیده است که بتواند به عنوان یک پدیده سیاسی ارتجاعی و ضد ملی در یک فرد یا گروه حاکم و غالب گشته باشد. از اینرو باید این امر دیالکتیکی و پروسه تکوین رشد پدیده از کمیت به کیفیت را مورد توجه قرار داد.

در غیر این صورت به سادگی می‌توان عملکرد تبه‌کارانه رژیم نسبت به انقلاب و مردم را به عنوان دلیلی بر «سلطه امپریالیسم و صهیونیسم» در ایران مورد تبیین قرار داد و همه حرکات و فعل و انفعالات سیاسی داخلی و منطقه‌ای و جهانی رژیم کلاً جنبش‌های سیاسی و احیای سرمایه‌داری در ممالک سابقا سوسیالیستی را ناشی از سیاست مرموزانه، شیطانی و توطئه‌بهنایت و یهودیت و صهیونیسم دانست و با یک چرخش قلم به همه پیچیدگی‌های مسائل سیاسی به سادگی پاسخ داد.

ما ضمن احترام به مواضع ضدصهیونیستی و ضدامپریالیستی و مخالفت صمیمانه و میهن‌دوستانه شما علیه تحریم اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران، دوستانه تقاضا داریم در اتخاذ موضع سیاسی در مورد افراد و جریانات سیاسی، که هنوز به «جاسوس و کارگزار ماساد تبدیل نشده‌اند»، شتاب زده عمل نه کنید، زیرا از رسیدن به هدف‌تان دور خواهید افتاد و این سیاست در جذب نیرو و تقویت جبهه انقلاب علیه ارتجاع و امپریالیسم قرین موفقیت نخواهد بود.

«گوتوالد»، دبیر اول حزب چکسلواکی در مراسم تدفین استالین سرماخورد و زندگی را وداع کرد. «پیه روت»، دبیر اول حزب کمونیست لهستان و نیز «دیمتریوف»، دبیر اول حزب بلغارستان نیز به طور مرموزی در روسیه درگذشتند.

در بلغارستان پس از درگذشت «دیمتریوف»، «ولکو جرونکوف» جانشین او شد که او نیز بدون سر و صدای زیادی توسط روزیونیست‌ها کنار گذاشته شد و «تئودور ژویکوف» جانشین او شد که به مجری سیاست‌های خروشچف تبدیل گردید.

در چکسلواکی پس از درگذشت «گوتوالد»، عنصری فرصت طلب و بدون ثبات به نام «نوتونی»، دبیر اول حزب شد که به آلت دست خروشچف تبدیل گردید.

در آلمان تا هنگامی که «پیک»، این پیر انقلابی و رفیق استالین در رهبری حزب بود، اوضاع خوب بود، اما پس از آن که فلج شد و تنها مقام افتخاری ریاست حزب را داشت، به جای او «اولبریخت» و «گروته دل» و «یاران» رهبری را به دست گرفتند، اوضاع فرق کرد.

در مجارستان تا هنگامی که «راکوزی»، این کمونیست قدیمی و از یاران با وفای استالین در رهبری بود، روزیونیست‌ها توفیق نداشتند، اما با پافشاری خروشچف، «راکوزی» به اجبار از حزب برکنار شد و جریان ضدحزبی به سردمداری «فارکاس» کنترل حزب را به دست گرفتند. پس از «ژر رو» به توصیه و توجهات خروشچف «کادار»، دبیر اول حزب شد. او بنا به سفارش شوروی «ایمرناکی» خائن را از زندان آزاد کرده، از او اعاده حیثیت نموده و وی را در رهبری حزب قرار داد.

در لهستان نیز بعد از درگذشت «پیه روت»، که از هم‌زمان نزدیک استالین در کمینترن بود، «کومولکای» ارتجاعی و خائن، که او نیز با توصیه خروشچف از زندان آزاد شده بود، به دبیر اولی حزب انتخاب می‌شود.

پس از درگذشت استالین، «تولباتی» و احزاب اروپایی نیز از آنجا که خروشچف و اطرافیان‌اش را هم‌پیمانان ایدئولوژیکی و سیاسی خود به شمار می‌آوردند، با پذیرفتن مشی اپورتونیستی خروشچف نسبت به تیتویست‌ها، سوسیال‌دموکرات‌ها، بورژوازی و دیگران به گونه‌ای آشکارتر، دیدگاه‌های روزیونیستی خود را ابراز داشتند. چه آنها از زمان‌ها پیش با برداشتی غلط از رهنمود کنگره هفتم کمینترن در مسئله جبهه واحد و اتخاذ مشی سازشکارانه در قبال احزاب بورژوازی و دولت‌های پس از جنگ، این آمادگی را داشتند تا مشی روزیونیستی را پذیرا گردند.

حال با توجه به توضیحات فوق پاسخ دهید: آیا خروشچف یک‌شبه به قدرت رسید؟ آیا این تغییرات بزرگ کافی نبود که در یک پروسه ده ساله خط مسلط بر حزب و دولت اتحاد جماهیر شوروی، روزیونیستی، ضدسوسیالیستی و ضددیکتاتوری پرولتاریا تبدیل شود؟ آیا ماهیت چنین حزب و دولتی جز دیکتاتوری بورژوازی است و این آغاز احیای سرمایه‌داری و سرانجام فروپاشی رسمی آن تحت رهبری گرباچف و یلستین است؟

احزاب توسط رهبران خود هدایت می‌شوند و اگر در رهبری سیاست براساس تبعیت اقلیت از اکثریت تعیین می‌گردد، در این صورت مگر امکان ندارد که در برخورد به یک پدیده پیچیده، مهم و حیاتی و سرنوشت‌ساز این اقلیت به اکثریت تبدیل شود و یا اکثریت به نظری غلط برسد و آنگاه حزب تغییر ماهیت دهد؟! مگر انترناسیونال دو در کنگره «بال» متفقاً بر ضد جنگ امپریالیستی نظر نداشت و در موضع مارکسیسم نبود. حال آن که درست دو سال بعد، یعنی در سال ۱۹۱۴ وقتی که از جنگ دفاع نمود، به ورطه خیانت افتاد و لنین نیز در بیانیه همان سال خود اعلام نمود که بین‌الملل دوم از هم پاشیده و خواستار بین‌الملل جدیدی گردید و کائوتسکی، بزرگ‌ترین مارکسیسم آن عصر به واسطه دفاع از جنگ تمام حیثیت خود را از دست داد.

ظهور خروشچف و دارودسته او در شوروی امری تصادفی نبود، بلکه محصول اجتماعی است که پایه اقتصادی آن همان طور که لنین درباره بروز روزیونیسم گفته است «قشر بالایی جنبش کارگری» است و در کشور سوسیالیستی با وجود طبقات کارگر و دهقان و روشنفکر و با وجود اختلاف زندگی مادی اهالی و تا قبل از مرحله کمونیسم همواره امکان احیای چنین محصولی وجود دارد. در گزارش آخرین کنگره حزب کمونیست شوروی، که استالین در آن شرکت داشت، (کنگره سال ۱۹۵۲) حتی تظاهر انحطاط معنوی و پوسیدگی در یک سلسله از سازمان‌های حزب گوشزد گردید و گفته شد که: «برخی از رهبران سازمان‌های حزبی، این سازمان‌ها را به خانواده و کسان خود تبدیل کرده و منافع گروهی خود را مافوق منافع حزبی و دوستی قرار داده‌اند».

در جامعه سوسیالیستی و تحت محاصره سرمایه‌داری جهانی، که همه روزه زهر افکار و تمایلات بورژوازی را اشاعه می‌دهند، بر مبنای اختلافات موجود جامع، اختلاف حقوق و درآمدها (هنوز دهقانان تعاونی‌ها به کارگران دولتی تبدیل نشده و یا کارگران اختلاف درآمد دارند. دستمزدها نیز یکسان نیست و براساس شعار سوسیالیستی «هر کس به اندازه کارش» مزد می‌گیرد»، اختلاف شهر و ده و کاریدی و فکری) و زمینه پیدایش و رشد روزیونیسم ناگزیر بوده و لذا ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا برای جلوگیری از آن اهمیت به سزائی خواهد داشت و پیروزی روزیونیسم را نیز باید در حزب بلشویک، غفلت از دیکتاتوری پرولتاریا پس از درگذشت استالین دانست. خروشچف و دارودسته‌های او طی روندی طولانی و پیچیده، پله به پله قدرت را در اتحاد شوروی و کشورهای پیشین دموکراسی توده‌ای به دست گرفتند. پس از درگذشت استالین خروشچف و میکویان به از میان برداشتن یک به یک اعضای پرزیدیوم کمیته مرکزی حزب، که آنها را «گروه ضد حزبی» می‌خواندند، پرداختند. ابتدا «بریا» را اعدام کردند، سپس «مالنکوف» را، که پس از استالین به دبیر کلی حزب انتخاب شده بود، لگدی زده و «بولگانین» را موقتاً جانشین او کردند و بعد از آن نوبت به «مولوتف» رسید. به موازات این اقدامات ۳ تن از بزرگ‌ترین رهبران جهانی جنبش کمونیستی را به طور مرموزی از بین بردند. گفته شد که



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						